

قلم ایران

زیر نظر شورای نویسندگان

حسینی مشکان

لنگر فستول نبود

رونا لدریگان رئیس جمهوری آمریکا، این روزها با جدی ترین بحران دوره ریاست جمهوری خود روبروست زیرا فضای روابط بین کاخ سفید و جمهوری اسلامی، خشم مردم آمریکا را علیه او برانگیخته است. ریگان در سخنانی که مستقیماً خطاب به ملت آمریکا ایراد کرده دلایل اقدام به برقراری ارتباط محرمانه با تهران و ارسال اسلحه برای جمهوری اسلامی را توضیح داد ولی این توضیحات مردم آمریکا را قانع نمی کند. مردم آمریکا خشمگینند چون می بینند رئیس جمهوری ایالات متحده قول وفطنی یکی نبوده، و خلاف آنچه گفته عمل کرده است.

بقیه در صفحه ۱۲

پیام رادیویی دکتر شاپور بختیار خطاب به ملت ایران

دروغ پروری که در اختیار دارند، ضمن محکوم کردن جنگ ایران و عراق، منکر کمترین تماس برای فروش اسباب و ابزار جنگ به رژیم آخوندی شدند و روزی نگذشت که در جمع و سازمان های جهانی قطعنامه روی قطعنامه برای محکوم کردن رژیم آخوندی به تصویب نرسانند و برای کشته شدگان ایرانی و عسراقی نوحه سرانی نکنند.

در این میان آخوند فرستگانی که متخصص دادوستد و ملامت نیزی با خود بخود را آخوند معتدل و با حسن نیت معرفی می کرد، ضمن نثار رفته به استکبار جهانی و تهیه اسلحه از آن ها، می خواست که رقیب احتمالی خود فقیه عالم لیقدر و مضحک قم را از گردونه خارج سازد.

بقیه در صفحه ۲

صحبت کنند، مابین از یادداشت شان در یک هتل، آن ها را از زکورت خراج کردیم.

این دروغ محض است. مقدمات این کار از ماه های قبل به وسیله چند دولت خارجی آماده شده بود و آخوند فرستگانی در صافرت به ژاپن یا نما بینندگان "شیطان بزرگ" مفضل" صحبت کرد و قرار می دادند که در تهران بمانند.

قبل و بعد از آن، نمایندگان رژیم منحوس آخوندها تماس های مکرر با "استکبار جهانی" که گویا مانع بیرونی آن ها برای فتح قدس می باشد و با پادرمیانی اسرائیل، معاملات را شروع کردند. باید گفت، که اسرائیل "افلا" اقرار به فروش اسلحه به خمینی را کرد ولی کشورهای اروپایی با تمام وسائل

خواهران و برادران عزیز، چون اخیراً "حوادث قابل توجهی در سطح بین المللی به وقوع پیوسته است، لازم می دانم از جنگی و نتایج احتمالی آن شما را آگاه کنم. علاوه بر این با بدبختی و مفهوم آن ها را برای شما روشن ساختن است بدانید که در دنیا چیست و برای پیروزی ایران بر رژیم خدایرانی آخوندها از چه موضع باید وارد عمل شد.

دو هفته قبل در سراسر جهان فاش شد که چند نفر آمریکا با مقدار اسلحه، تانک و مینا نقل و نیات، بطور محرمانه وارد تهران شده اند. آخوند فرستگانی برای بی نشانیدن از قافله، فریب دیر آورد که چند آمریکا بی باک در نامه جلی وارد ایران شده بودند و می خواستند با ما

هوشنگ وزیری

سروش هشتاد و نهم

چشم اندازی شیر قاری

تلاش های تازه جمهوری اسلامی برای بیرون آمدن از انزوای بین المللی بار دیگر بحث دربار ما اندک ریودن بیجا نبودن این رژیم را در دستور روز قرار داده است. برای آن که این بحث به نتیجه ای برسد، باید بیانشا بیس برسر دو نکته همراهی شد: نخست اینکه هر تجزیه و تحلیلی درباره انجام کار این رژیم، جهت حرکت آن را نشان می دهد نه سرعت این حرکت را. به عبارت دیگر هنگامی که می گوئیم این رژیم مانند گاو نیست و بس سقوط می کند، الزاماً نمی توانیم تاریخ گما بیش دقیقی نیز برای سقوط آن تعیین کنیم، اما حرکتی که این رژیم می کند، به سمت سقوط است.

روش شناسی نیز به ما می آموزد که احتمال وقوع حادثه ای، به همان اندازه که چهار رجب زمانی یا مکانی آن تنگ تر گرفته شود، کمترین می گردد. نمونه ای بیاریم: اگر پیش بینی کنیم که در زمستان امسال در فرانسه برف خواهد بارید، احتمال وقوع آن نزدیک به صد درصد است، اما اگر بگوئیم که در روز معینی از زمستان امسال درباریس برف خواهد بارید، احتمال بارش برف در آن روز معین شاید به چند درصد نرسد.

تجزیه و تحلیل های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، بیس بیس سقوط رژیم کنونی تهران را از حیث علمی موجه نشان می دهد. این اتفاق در آینده ای نه چندان دور خواهد افتاد. ولی تعیین زمان دقیق آن، وظیفه تجزیه و تحلیل علمی نیست. ولی این هرگز بیگان معنی نیست که شیروهای مقاومت طرحی نداشته باشد که در آن، زمان دقیق برآفتادن رژیم مشخص شده باشد.

بقیه در صفحه ۲

ایران گیت

سلاح ها، به بهای ۱۲ میلیارد دلار، از زرادخانه وزارت دفاع آمریکا، به وساطت اسرائیل، به جمهوری اسلامی رسید. ولی پولی که از کسبه ملت ایران رقت، در حدود ۴۰ میلیون دلار بود که به حسابی در یکی از بانک های سوئیس ریخته شد. ولی ما به استنارت میا ۴۰ میلیون و ۱۲ میلیون تومان "به جیب اسرائیل نرفت، گفته می شود چیزی در حدود ۱۰ میلیون دلار نصیب نیروهای شده دست اندر کار تلاش مسلحانه برای برافکن شدن حکومت نیکارا گوده هستند، رژیم انقلابی تهران و این همه گناه دست در برابری "سهیونسم" در اسرائیل و ضد انقلاب در نیکارا گوده.

در این میان اسرائیل نیز اعتراف کرده است که در انتقال اسلحه ای ما خت آمریکا به بنابر ایران دستی داشته است.

بقیه در صفحه ۱۱

اجلاس عادی شورای

نهضت مقاومت ملی ایران

اجلاس عادی شورای نهضت مقاومت ملی ایران ساعت ده صبح روز اول آذرماه ۱۳۶۵ برابر با ۲۲ نوامبر ۱۹۸۶، با حضور دکتر شاپور بختیار، رهبر نهضت، تشکیل شد.

در این اجلاس پس از بررسی گزارش فعالیت های واحدهای اجرائی، تحولات سیاست خارجی دربار، منطقه خاورمیانه مورد بحث قرار گرفت و پس از تجزیه و تحلیل موجبات مذاکرات بینحالی جمهوری اسلامی با دولت ایالات متحده آمریکا، ضرورت تشدید فعالیت های نهضت مقاومت ملی در داخل کشور تاءکید شد. بحث و مذاکره تا ساعت ۱۹ ادامه یافت.

هادی بهراد

دیپلماسی آمریکا به کجا کشیده می شود؟

واضاری که در کتمان کردن ماجرا داشت، ناچار سکوت را شکست و بیخشنه شب ۱۳ نوامبر با یک پیام تلویزیونی تلاش کرد بلکه به ملت بیت زده و پیرس و جوگرا آمریکا ثابت کند آنچه روی داده با سیاست های اعلام شده و مصالح ملی آمریکا بیگان مغایرتی نداشته است.

ریگان امیدوار بود و حتی اطمینان داشت که در پی این پیام بیجان عمومی را فروخواهد نشاند و به "شایعات خا تمه" خواهد داد. با چنین آرزو و بختی بود که روز بعد در یک باشگاه خصوصی بتعلق به "جامعه بشردوستان آمریکا" گفت: "حالا که برده از ابر برداشته شد، شایعات بی اساس هم خود بخود از میان خواهد رفت."

بقیه در صفحه ۳

باهم یا جدا از هم - سقوط حتمی است

می نکرد، از سوی دیگر با کمانی در افتاده است که کنارت آمدن با غرب، به ویژه با ایالات متحده را، نقطه پایان انقلاب می شمردند، و از این بیشتر ترگسران سرنوشت خویشند، زیرا می پندارند که نخستین قربانیان چنین سازشی خواهند بود.

بقیه در صفحه ۴

بیش چشم ما، در جمهوری اسلامی، کودتای خنده ای در حال شکل گرفتن است. جناحی که می خواهد قدرت را قبضه کند - جناح هاشمی فرستگانی - سرگرم ورزیدن جنگی در وجهه است: از یک سو با رقیبانی می جنگد که هر چند با آن اختلافی مسلکی ندارد، ولی در نبرد برای تسخیر تمام قدرت، آنان را به حتم دشمن

ملك الشعراء بهار، شاعر ملی در صفحه ۶

در صفحه ۱۰

بقیه از صفحه ۱

نهضت مقاومت ملی، که من افتخار رهبری آن را دارم، صراحتاً " و در مواقع عیدیه، این موضوع مهم را به اطلاع جهان‌نیان مخصوصاً " کشورهای پیش‌رفته رسانید که هرگز و در هیچ صورت، تحمل حکومتی که از درون رژیم آخوندی بیرون بیاید نخواهد کرد.

من شاپور بختیار، وقتی برچشم‌پاره را برداشتم سفارت‌های آمریکا - شوروی - بریتانیا نیای کبیر و غیره در تهران دائماً بودند و با ظرفیت کامل کار می‌کردند. بنا بر این تماس یک دولت خارجی با رژیم خمینی، در هدف و آرزوهای من نسبت به مردم و وطن برای براندازی رژیم خمینی و استقرار حکومت ملی، هیچگونه تغییری نخواهد داد.

جای نهایت تأسف و شوگفتی است که دولت‌های پیش‌رفته که رژیم خمینی را، بعنوان تروریست پرور - ضد انسانی و بدون کمترین توجه به حقوق اولیه مردم، مورد سرزنش قرار می‌دادند و در ۲۷ اردیبهشت سال گذشته سران‌ها ثابت شده بود که ملت ایران با وجود اختناق و شکنجه‌های روحی و جسمی مستعمران‌ها و آزادی‌ورهای از این دستگاه مخوف قرون وسطایی می‌باشد، با زبانه تحریک‌مشتی‌نادر و خیال‌پرورد در صدبرق‌تری تماس و معاشرت با این گروه برآید.

با زده این اقدامات در مرحله اول گستاخی‌ها و دست‌ریندوشی‌های آنان به ادامه یک نبرد بی‌حاصل و خائنانه سرانجام شد. در مرحله بعد، چهار قرار و چهار تکرار بکنند، دلسردی تمام ملل دوست و صلح‌طلب را موجب شدند.

این جنگ که هر روز تلفات آن روبه افزایش است و خرابی‌های آن نتیجه‌ای ندارد، بی‌وطن و ضد ایرانی است که می‌خواهند به هر قیمتی که شده با زجند می‌جانی بر آریکه خلافت و فقه‌تکیه‌بزنند، به زبان دوکشور ایران و عراق است. این دو مملکت جوانان خود را از دست می‌دهند

پیام رادیویی دکتر شاپور بختیار

خطاب به ملت ایران

شهرهاشان نابود می‌شود، اقتصادشان بربادی رود و بسیاری کشورهای جهان به نحوی از این ماجرای هولناک سود می‌برند.

ایرانی‌ها نمی‌خواهند به پشت‌پس‌برده آهنگین بروند و نمی‌خواهند که ایران یک پایگاه تحریکات ضد شوروی بشود. ما به آبادانی، به آزادی و استقلال کشورمان با بی‌بندیم. ما از دخالت بیگانگان تاکنون کمتر سود برده‌ایم.

من بارها گفته‌ام و باز تکرار می‌کنم که بهترین دوستان ما بین کشورهای بیدار می‌شوند که در سرشودت ما کمتر دخالت بکنند. ملاک عمل عدم دخالت و سپس همکاری اقتصادی، فرهنگی و اقتصادی صلح و آرامش در منطقه خلیج فارس است.

به نظر من اگر در نیمه اول قرن کنونی دو جنگ جهانی بنیاداً جمع جهانی را دگرگون کرد - به طوری که مشقت‌های فراموش‌شدنی هنوز در خاطر هر یک از ما آشکار است - در نیمه دوم این قرن که روبه‌تمام است، بیداده‌ای بلیدتر، سنگین‌تر و غیر قابل اغماض تر از تروریسم دولتی نیست. دولت‌هایی که به افراد متعصب یا مزدوریابی‌شعور امکان برورنی و اجرای ترور می‌دهند و آن‌ها را وادار به چنین اعمال ضد بشری می‌کنند، رذل‌ترین دولت‌ها هستند که تاکنون جامعه بشری به خود دیده است. پس هرگونه بستبانی، مصالحه و حتی مذاکره با این قبیل دولت‌ها - که در ایران، آن‌ها دستگاه خمینی مستقر شده - هم برخلاف اصول انسانی و هم "آلا" بدون نتیجه خواهد بود.

راجع به دیدگاه‌های خود در مورد اقوام ایرانی و همچنین روحانیت غیر آلوده و دیندار و پاسدارانی که حاضر شده و با درصدها هستند خانواده بزرگ ایران برگردند، تاکنون چندین بار با شما صحبت کرده‌ام. همین‌طور راجع به زنان کشور که، بیش از همه مردم ایران، به طور مستقیم و غیرمستقیم مورد آزار است جسمی و روحی فرا گرفته‌اند و عده زیادی از آن‌ها شکنجه‌های طاقت‌فرسا تحمل کرده‌اند و بعضی هم جان خود را در مقابل دژخیمان خمینی از دست داده‌اند، خودم را از دل و جان همدرد آن‌ها احساس می‌کنم.

حال در مورد جوانان ایران که برای ارضای شهوت‌جاه و مال و مقام عده‌ای از خدایی خبر در لوی روحانیت، روانه دیار نیستی شده‌اند و حضور و وجودشان برای بازسازی و سرفرازی ایران در آینده از هر عاملی موثرتر می‌باشد، جز لعنت‌آبدی نمی‌توان نشان در دست فطرتان روحانی نماند.

اما شما جوانان ایران، وقت آن رسیده که اول در شهرها و با رعایت و وقاحت در روستاها، شروع به تجهیز کنید. شما برای تسخیر قدس که با اسلحه، اسرا شیل با یه در عالم خیال بوقوع می‌نویسند، جان خود را نثار نکنید. شما در مدرسه، در بازار، در باشگاه، در هر کوی و برزن خود را آماده کنید. تسلیم نشوید و مقاومت ملی را به وسیله گروه‌های کوچک و مستقل، از هم‌گشون یا به‌ریزی کنید. بر در و دیوار بنویسید - ایران هرگز نخواهد مرد. این شعار یک شخص نیست. این بیان معتقدات ۴۵ میلیون ایرانی اصیل و سپهمن دوست

است. با وجود اسرار زسلیقه‌های مختلف - کسه لازم - بکار رژیم آزاد پیخواه است - این شعار در این سبازات می‌تواند همه شمارا متحد سازد. شما یک کشوری داشتید که متأسفانه به اداره می‌شد و تبعیض و فساد در آن ریشه دوانده بود. شما اکنون موظف هستید که یک خانه جغد شوم، بسک و برایشه را تبدیل به یک کشور پسر از عشق، بر از شور و پیرا ز فعالیت کنید و این کار فقط به همت شما بستگی دارد.

این روزها پس از گذشت ۸ سال، کتا بی از خاطرات روزانه یک ژنرال آمریکایی که در مدت کوتاه نخست‌وزیری من در ایران اقامت داشت منتشر شده است. این ژنرال معاونت نیروی پیمان ائتلاف شمالی را عهده‌دار بود. همه روزها با رئیس‌ستاد ارتش و عده معدودی از امیران - یلند پایه مملکت مادر تماس بود. در طول اقامت او که قریب به یک ماه شد، هیچ‌گاه او را ندیدم و نیز بی‌تماسی حاصل نکرد. من مطالعه این کتاب را به تمام هم‌میهنان توصیه می‌کنم. افسران مخصوصاً باید آن را بخوانند تا بدانند که در رأس ارتش کشور چه افراد حقیر و تنگ‌مایه‌ای دست‌اندر کار می‌بودند.

آن ارتشی که در همان ایام، بسزد - گردی‌ها - شمس‌تیزی‌ها - بیدآبادی‌ها و افسران جوان میهن‌پرستی داشت، چگونه تسلیم‌مشتی آخوند شیادسی‌رحم شد. و چگونه با دکان‌های ارتش، پس از خیانت چند نفر مسئول نالایق، سرسباده رفت و چگونه سال‌ها پس از رفتن خمینی افسران لایق و جوانان زه‌رقیام‌نوز، مثل محقق‌ها - جپانگیری‌ها - بویری‌ها، که برای رهائی ایران فداکاری می‌کردند، به دیار نیستی فرستاده شدند.

در راه میهن، در سال گذشته شجاعانی مثل هادی عزیزم را - به روزشاه هوردی لوب - حامد بدست تروریست‌های مزدور خمینی

بقیه در صفحه ۱۱

سرنوشت رژیم در چشم اندازی غیر تاریخی

بقیه از صفحه ۱

و اینک به نکته دوم بپردازیم، و آن اینکه چرا رجوع بحث، سیاسی و اجتماعی - اقتصادی است، نه تاریخی. در چشم‌انداز تاریخی، هر رژیم سرانجام روزی سقوط می‌کند، همچنان‌که در چشم‌انداز زینت‌شناسی، هر رژیم وجود زنده‌ای روزی می‌میرد. ولی هنگامی که دربار کسی می‌گوئیم که مردنی است، زیرا از بیماری مهلکی رنجور است، پیشگویی ما بر اساس قسانون زینت‌شناسی صورت نمی‌گیرد، بلکه بر اساس قسانون آسیب‌شناسی صورت می‌گیرد. پیشگویی مرگ انسانی تنها در صورتی می‌تواند درست‌نوعاً با پیشگویی مرگ انسانی مبتلا به بیماری‌ای کشنده فرق دارد. این یکی حکم زینت‌شناسی است و آن دیگر حکم آسیب‌شناسی است. بتوان گفت بحث ناماندگار به بودن رژیم کنونی حاکم بر ایران را باید در چهار چوب آسیب‌شناسی اجتماعی مطرح کرد نه زینت‌شناسی اجتماعی. اینک انقلاب اسلامی "ساخته" ای بود که تمام تاریخ ایران را اکستریانه، اکنون چندان به‌کار ربحت ما نمی‌آید. داده‌های عینی چنین بحثی را باید از

جمله‌ها تاریخ ایران، تاریخ اسلام در ایران، را بینه، روحانیت شیعه با قدرت سیاسی و غیره گرفت. ولی آنچه جای هیچ تردیدی ندارد این است که "ولا" رژیمی که از انقلاب برآمد، به هیچ روی حتی نزدیک به آلمان اکثریت بزرگ شرکت‌کنندگان در انقلاب نبود. زیرا اکثریت بزرگ در مستحوی دموکراسی سیاسی بود و پس از انقلاب، استبداد دینی را در برابر برپاقت. تا نیا: " رژیم اسلامی و جامعه ایرانی در دو خطی حرکت می‌کنند که مدام از یکدیگر دور می‌شوند و هر چه زمان بیشتر می‌گذرد احتمال اینکه روزی در جانی به یکدیگر برسند، کم‌تر می‌گردد. این رژیم و جامعه ایرانی، امروز از یکدیگر به مراتب بیگانه‌ترند تا هفت سال پیش، و هیچ رژیم وجود ندارد که بتواند در جامعه‌ای که از آن سگانه می‌شود، دیر بماند.

الگوهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این رژیم بر پایه زنده‌بیکر کشوری چون ایران نیست. این را حتی طرفداران نیز مانند گاری رژیم نیز پذیرفته‌اند. اینان می‌گویند رژیم اسلامی با ایجاد تغییراتی در درون خود، به تدریج با

حرکت طبیعی جامعه ایران هماهنگی خواهد یافت و در نتیجه ماندگاری خود را تضمین خواهد کرد. و جان کلام، درست در همین جاست. در درون رژیم اسلامی برای چنین تغییری قدرگنجایش وجود دارد؟ حامل‌های اجتماعی - سیاسی این تغییرکننده؟ فرض کنیم رژیم چنان تغییر کند که با نیازهای طبیعی جامعه ایران سازگار گردد، نگاه آبی دیگر خواهد بود، خود را همچنان " اسلامی" بخواهد؟

اکنون سر آن نداریم با آوردن نمونه‌ها و نقل قول‌ها از سیم‌ها ران خود رژیم نشان دهیم که حکومت اکنون هیچ‌لگویی مشخصی برای اداره ایران ندارد. به عبارت روشن‌تر، برای طرحی نیست که جامعه ایران از روی آن ساخته شود. نه در سیاست خارجی و نه در سیاست داخلی. این را وزیران کابینه، وکیلان مجلس شورای اسلامی، ائمه جمعه و دیگران در فرصت‌های گوناگون گفته‌اند. سیاست که به معنای گسترده کلمه مترادف با کشورداری است، در این رژیم به دوزخ کلک‌دربازی‌های سیاسی روزانه‌هاش یافته‌است. مسائل، از مهم‌گرفته تا حیاتی، مدام برهم‌انداخته می‌شوند، بدون آن که راه‌حلی برای آن‌ها ارائه شود. راه‌حل‌هایی نیز که ارائه داده می‌شوند، از قدرت‌آجرائی برخوردار نیستند و معمولاً در میان راه متوقف می‌گردند. نظام حقوقی، اقتصادی، سیاسی و

فرهنگی خاصی بر جامعه حکم نمی‌راند. دادگستری، زانده شریعتی است که احکام آن اصلاً یا رای آن ندارند که خود را با نیازهای جامعه امروزین تطبیق دهند. می‌خواهند جامعه را و این یکسانند، ولی این جامعه است که در حرکت طبیعی خود، آن‌ها را با خود می‌کشد و زینت‌شناسی می‌اندازد. هیچکس را نمی‌تواند پیدا کند که یک الگوی توسعه اقتصادی، از نوع اسلامی آن، در برابر شما بگذارد و بگوید این است آن الگو. مسائل مهم مالکیت و تجارت در منطقه‌ای میان دو قطب مغناطیسی مخالف - یعنی سرمایه‌داری و سوسیالیسم - گیر کرده، از حرکت مانده‌است. سیاست‌های شرقی نه غربی، ما دام که رژیم تلاش چندانی برای تکافتن انزوای بین‌المللی نمی‌کند، بی‌بودگی خود را آن قدر نشان نمی‌دهد که مردم از آموزش و پرورش رژیم نیز برخوردار می‌شوند. دانش و پژوهشی که روبه‌بیشرفت‌دا رد، نمی‌تواند در بخت و اندامی قابل شناخت پیدا کند. درماندگی، سراسری و کامل است. برخی کسان، چنان‌که زینت‌شناسی، چنان‌که فل و چنان‌که زینت‌شناسی، رو برآه‌شدن کارها را به پایان جنگ حواله می‌دهند. ولی با وجود تاه‌کیده‌های تازه خمینی برادامه جنگ، اگر کسی چنین با یانی را در چشم‌انداز دید، به دیگران هم خبرش را بدهد.

دیپلماسی آمریکا

به کجا کشیده می شود؟

سیدها زلفه

ولی بیش بینی او ما شب نبود. غوغا فرو نشست و علاقه بر آن، روزها منویش ها و اکثریت اعضاء کنگره و حتی بسیاری از سناورها و نمایندگان جمهوری خواهه متفقا نظر دادند که:

"رئیس جمهوری با پیام خود، سخوالاوت ناهای بر سخوالاوت بی جواب گذشته افزود."

پیام رئیس جمهوری به اثبات چند نکته تعلق داشت:

- ۱ - اسلحه های فروخته شده به رژیم تهران، منحصر به برخی از ابزارهای دفاعی است. سلاح های تدا فنی و درجده بوده است که به هیچ وجه بر توان نیروهای متخاصم اثر نخواهد گذاشت.
- ۲ - تحویل سلاح ها مطلقا "رطبی" است. مسئله گروگان ها نداشتن است. هدف امولی در این برنا مایا دریایی بقدم ارتش با طاعتا صر "معتدل و عیان" است و تقویت این جناح در متن رژیم بسوده است و بنابر این از آذای چند تن از گروگان ها را (در قیاس با مغز همدف) بیش از یک نتیجهی فرعی و جنبی شایب تعبیر کرد.

۳ - موقع سوق الجیشی و سهم نفت ایران در گردش اقتصاد دجهای، بر تراسا خشن چنین ارتشاطی را همراها "قبول واقعیت انقلاب ایران" توجیه می کنند که طبیعا با آن بخشیدن به جنگ شش ساله و برکنش از خلیج فارس و کاهش خطر ترویرسم و تضمین ثبات منطقه را نیز در برخواهد گرفت. با این همه اتفاقات بعدی نشان داد که توفیقات آذای ریگان کمترین اثری بر روند هیجان و اعتراض عمومی نداشت و این سهل است بنیاسا زمینی، به هیبت طوفان دامین زده است. تلویزیون ای . بی . سی، بدنیا لیک نظرخواهی (نتیجه گیری) پی شوهی نمونه گیری) نتیجه گرفت که ۷۲ درصد مردم آمریکا با ارسال اسلحه به رژیم تهران مخالفند و ۵۷ درصد علی رغم تا کیدوا صرا بر رئیس جمهوری معتقدند که "فروش اسلحه در از آذای گروگان ها صورت گرفته است."

نظرخواهی نشویدی معروف لس آنجلس تا بیز نیز تقریبا "همین نتایج را بدست داده است."

گذشته از این، طی محامیه ها و نظرخواهی های مطبوعاتی و رادئو تلویزیونی معلوم شد، پرسش های تازه ای از این قماش مطرح است و بی پاسخ مانده است:

- شورای امنیت ملی متکی به چه قاعده و منطقی، بی اعتنا به هشدارهای دوشین از بر جسته ترین اعضاء کابینه و در عین حال با کوشش سرخشانهای بخاطر بینشانانگا هدا شتن موضوعی تا این پایه حیاتی از دید رهبران کنگره، به طرح و اجرای برنا مهای دست می زند که با مواضع رهبری آمریکا در جهان از آذای دیوندها ای اساسی پیدا می کند؟ خاصه هردو وزیر (سولتزو و این برگر) که به قول خود تنها اطلاعات جسته و گریخته ای از ماجرا داشته، به موقع تذکر داده اند که:

"اولا" اقتصاد جمهوری اسلامی، از با حفظ اسرار رفیعا بین، به پیوده و با سزاوار است و نایا "جنبین اقدامی باسی رویه ها و سیاست های اعلام شده" ایالات متحده مناقات دارد؟

وانگهی "در شرا طقی که وزیر خا رجسه پی در پی هم بیما نان اروپا ش را از هر گونه دادوستد و محصوما" فروش اسلحه به کشورهای ترویرست پروروازان جمله ایران منع کرده است و نیز در حالی که محاکم آمریکا بی محکومیت دلالتان اسلحه (که غالباً "طرف منامدی آن ها رژیم تهران بوده است) اصرار ورزیده اند... فروش اسلحه آن هم با جواز رسمی دولت آمریکا به رژیم که مدها سرا زوشهر وندا آمریکا را به خاک و خون کشیده و دهها بار حتی به زبان شخص رئیس جمهوری "خالق ترویرسم دولتی" لقب گرفته است، دیگر چه حیثیت و اعتباری برای آمریکا باقی می گذارد؟

روزها می و اشنگتن بیست با ستناد قول یکی از اعضاء عالی رتبه ای کاخ سفید

این نکته بسیار زنده توفیح است: انتقادات و اعتراضاتی که سیل وار بر سوی کاخ سفید جاری است، در وهله اول متوجه مدعیان است که از این رهگذر بر اعتبار جهانی آمریکا وارد آمده و در مرحله بعدی مدعیان از تردیدها شایسته که در گذشته های آمریکا شایسته است سیاست های اعلام شده و قول و قرارهای حکومتشان جوانه زده و با شتاب رشد کرده است. خاصه که در این حین و بی هیچ حقیقتی لیسرال با سرخستی تمام تقلا می کنند با دامین زدن به این تردیدها جساده را زینبای خود، به سوی انتخابات آینده ریاست جمهوری هموار سازند. بیس در این میان تنها حاسی که علی رغم همیبت فوق العاده و آثار کوتاه مدت آن ظاهر مغلط مانده، همان حساب داری ها و جهت گیری های ملت اسپرا ایران است. بنظر می رسد که سیاست گذاران کاخ سفید از درک این واقعیت با زمانه اند که اذامی چنین سیاستی، دقیقا "بسه" معنای لغزش هولناکی است که طی سی سال گذشته، برای سومین بار، به دیپلماسی آمریکا دست می دهد. این نخل تجربه است که یا لالت متحصده تا قبل از کودتای مرداد در افکار مملست ایران سابقه ناخوشی نداشت. مردم ایران در قبال خاطرات تلخی که طی قریب دو قرن از دستبرد های دو همسایه نیرومند شمالی و جنوبی، دو حافظه خود کشیده بودند نسبت به آمریکا ثبات و قفاوت دوستانه ای داشتند، به ویژه آن ها پس از جنگ جهانی دوم و ظهور در قلمرو سیاست بین المللی، با اصراری که نسبت به اجرای تمام عیار



مقررات کنگره اش تهران (استالین - روزولت - جرجیل) و ضرورت حفظ استقلال و حاکمیت ارضی ایران و خروج نوای ترویری، روزی زدن و بیس از آن با روحیه با انتمسه موفقی که در ابتدای اوج نهضت ملی ایران در مدام بله شرکت نفت انگلیس اسرا زدا شتند، طبعاً موقع دوستانهای در جرم ملت ایران بدست آوردند ولی چندی بعد با سقوط دردامی که سیاست بازان استعما رکهن پیش پای آن ها نهادند و داره علی گودتای مرداد را عمدتا "به آن ها سپردند، آن ها با بقیه خوش سراپا دگرگون شدوازان اعتبار سیاسی نه فقط در ایران که در سراسر منطقه خاورمیانه و آسیای باختری و شمال افریقا، حتی نشانی و بیادی هم باقی نماند و عجیب نیست آن احساسات تلخی که زاین ماجرا نصیب آمریکا شایسته است، مرا تب غلیظتر و سنگین ترا زینعت و کینه ای بود که ما جب غله و محرک خودتما نصیب می گرفت

(شاید به این علت که مردم ناگهان در جلد دوستی، دشمن خود را جستند و انتظار خود را تا گهان زیروویا فتنند.) و این واقعیتی است که بعدا بیس از دولت مردان و مقصرین و ما حسیطران و حتی ما، موران آمریکا شایسته اعتراف کرده اند.

باری رو بین نویسندهی کتاب مشهور "تجربه ای آمریکا شایسته و ایران" بدرستی قضاوت کرده است که:

"سقوط مصدق و خاتمه یافتن اقدام ایران به ملی کردن نفت خود که برانر شوری به تحریک "سی. آ. ای" به وقوع

حفظ کند و به کاخ خود اساطمینان خاطر از چانداری ملی ادامه دهد ولی باید به اعتراف کرد که ما اجرای اخیر، این بار دولت ریگان را به بحران عمیقی کشانده است، به نحوی که اگر نتوانند بر آن غلبه کنند، در این دو ساله آخر زمانداری، کلی فلج خواهد بود، بخصوص که کلا اکثریت دوجلس در تعلق لیسرال ها است و آن ها کوشش خواهند کرد تا کوچک ترین نقاط ضعف وی را تا حد اعلا بزرگ جلوه دهند و به سود خود بهره برداری کنند.

واشنگتن ستاد ز قول جمع دیگر سوری صاحب منصبان کاخ سفید اضا می کند:

"ضربتی که با افسای روابط بینانی با رژیم تهران بر اعتبار رئیس جمهوری وارد آمد، زمانی شدت گرفت که معلوم شد اعضاء کابینه و از آن جمله وزیران خارجه و دفاع با او همگام نسوده اند و لو آنکه این دوسمی می کنند تا هر چه بیشتر نگرانی خود را بنشان در اندوهم تر اینکه دست در جریان گفتگوها و رفت و آمدهای ۱۸ ماهه با رژیم تهران - یعنی در دو ماه گذشته و شش ماه پس از امضا منوعیت ارسال اسلحه به ایران (بسه) وسیله ریگان (جورج سولتزو) سبطی عراقی در شورای امنیت خلیج فارس، اتحاد سوری را بنسبت موردا انتقاد قرار داد که خرابه ها که می منوعیت ترویرسم اسلحه به ایران را مراعات نکند کرده است؟

جورج سولتزو در همان سخنرانی گفته بود:

"حدی که دولت آمریکا کشورهای دوست را به منع صدور اسلحه به ایران دعوت کرده است سوری ها به ترتیب کشورهای زیر نفوذ خود اصرار ورزیده اند.

وزیر خا رجیه ایالات متحده در بیان سخنرانی خود اظهار میدواری کرده بود که:

"اتحاد سوری هر چه بیشتر، در این زمینه با ایالات متحده همگامی نشان دهد، خواهندگان ما قطعا" با دقت تمام خواهد شد بعدی در دنبال کرده اند و بالطبع شیا زی به تفصیل و با آذای نماند ولی در عین حال، مسلما" توجسه داشته اند که بحران، منحصر "درد و گانسون" خاص تظا هر کرده و در نتیجه مهم ترین رشته ای آن ارتباط با قضاوت مملست ایران، از حوزه ای تا مل منتقدین و ما "لا" زمانه دران کاخ سفید بیرون مانده است.

بوسه. وضعی سرخودا آورد که عدد ایران نا غنر سرورمخا لبتا سا دهوا آمریکا کردند. آمریکا که در اسدا هم بیما ن ملسون در منا رزه سرخصود خا رجی بود. اسرا حام وضعی پیدا کرد که بسیاری از ایرانیان حتی بعضی از طرفداران سا دهوا آن را یک بیروی امیربالیسی جدید را برانر سا حتم.

تعبیر قاضی نامدار آمریکا شایسته "بلیام دوکلاس" از موقع آمریکا شایسته از کودتای با همی اختصار، فوق العاده گویا است:

"ما با انگلیسی ها هم دست ندیم سا او (مصدق) را از میان برداریم - در این راه توفیق یافتیم ولی از آن روز دیگر سردر حا ورمیانه از ما نه بیگامی نماند."

لغزش دوم دیپلماسی آمریکا در بیمن سال ۵۷ (۱۹۷۹) روی داد. جالب توجه است که کس سیاست آمریکا در آن دوره، "در یک صورت" با اقدامات اخیر کاخ سفید شامت در اوردن وجود اختلاف نظر در سطح رهبری و در جریان تصمیم گیری ها است، در سال ۷۹ - اغتشاش و نا هما هنگی و نتا در مراجع تصمیم گیری به لنگی دیپلماسی آمریکا و تروع فاجعه منجر شد تا جنانکه امروز نیز اختلاف در قضاوت سیاست گذاران این کشور کاخ را به بحرانی تا این پایه عمیق و فراگیر سوق داده است. اما از این وجهتسا به یکدیگر رسم، اقدام به ارتشاط رژیم فاشیستی و ضد ملی و خونریزی که نغرت و خصومت مردم را چنین سنگین و بی سابقه برانگیخته است، به شرط تداوم، به روشنی قابل پیش بینی است که در کوتاه مدت منجر به آذاری خواهد شد که مسلما" به پیوسته هدف های دیپلماسی آمریکا، خاصه در ارتشاط با جهان سوم نخواهد بود.

آقای ریگان که بر نفوذ جمهوری سلاهی در جهان اسلام استناد می کند، ظاهرا متوجه این نکتهی ظریف نیست که برخی از ملل مسلمان هنوز با تجربه ی طوفان حاکمان براندا زخمینسبم آشنا نیستند، کافی است که آذای سوند و برگردی خود، بشما می برد.

درک این محامیه درکنا را نسوده تجربیاتی که از گذشته به ما دکاراست، چندان دشوار نیست. معما ران "بل ارتشاطی با رژیم تهران" که قاعدتا "نباید از من دیپلماسی نوای کشور خودمستی برهما هنگی با جنس های ملی و جسموشی" از وفا داری به رژیم های خودکا به دست نشاننده، بی خبر باشند، خواهنا خواه ما بیعی

تجیب می شوند که چرا خود را درگیر ممانا زله با رژیم حنا پیکاری سا ختند آنکه ملتسی عزادار و بیخ کن کرده را روی خود قرار داده است؟ آیا تظا هرات فرما بینی رژیم و مثلا" نمازهای مسخره ای که سا لها است سا چماق جبروتهدید بر ما میشود و ما هوی اوباش اجیر در خرابان ها نگاه آن ها را نیز از میل به درون واقعیت و عمق انتظار ملتسی که در زنجیرا ستیدا دوشیر به خستی و غوغای طوفان جنتا بت دست و پا می زند با زدا شته است؟

آیا خطای با صره تا آنجا است که دستگا های عربی و طویل اطلاعاتی و امنیتی کشور مقتدری نظیر آمریکا را نسز از توجیه دروغ محض و مطلق که زیر عنوان "میانروی و اعتدال" رخ نموده، محروم کرده است؟

آیا برای سیاست گذاران کاخ سفید میسر نیست بلی هم به بغض و نفرت ملتسی به بندند که از درون جامعه ای ایرانی بسر ضد این رژیم خون و اشک می جوشند و سر می کشد؟

آیا برانستی چنان از بافت پیچیده ی قشودرت طلب آخوندی در ایران بی اطلاعات که به تظا هراتی چنین زورکسی و سطحی فریفته میشوند؟ اگر پاسخ ها مثبت است، باید گفت، آری - بس از ۷ سال و در میسر بی وسه سال تجربه، دیپلماسی ایالات متحده ای آمریکا برای سومین بار با بی سود به سوی لغزش هولناک پیش می رود.

سخنرانی در دانشگاه گوتینگن آلمان

کشا وری ایران در حضور عده زیادی از شنوندگان و کارشناسان آلمانی و خا رجی در یکی از تالارهای این دانشگاه ایراد کرد. در پایان با شنوندگان و علاقمندان دربارهمسا شل روزا ایران به بیحد و گفتگو پرداخت.

بنابعد دعوت مسئولان دانشگاه زرز آگوست گوتینگن واقع در کشور آلمان غربی در ساعت ۴ بعد از ظهر روز چهارشنبه ۲۴ اکتبر ۱۹۸۶ یکی از اعضاء کمیته اجرای نهضت قضاوت ملی ایران - شاخه ای آلمان غربی سخنرانی میسوطی همسراه با اسلاید و عکس درباره سیاست

نمایندگان ما ست‌ها را کیسه کردند

کاشانی، پس از آن که می گوید مطابق اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی " حیثیت، جان، مان، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است " روزی کشور سوال می کند: چرا وزارت کشور، با آن که از وجود آن افراد سا زمان یافته و قمد آن ها برای حمله به مطب پزشگان اطلاع داشت، اقدامی برای جلوگیری بعمل نیاورده؟

اینکه در جمهوری اسلامی، چاقداران به هر جا که دستور داشته باشند حمله می کنند و هیچ وا همه ای از تعقیب فضا نمی ندارند، چیز تازه ای نیست. ولی تاکنون هر بار که چنین رسوائی ها می آید به یاد آید، مقام های قضائی می گویند و اندیشه را به گونه ای لوت کنند و چنین وانمود می کنند که آن گروه ها خود سرانه دست به چنین سرارت های زده اند و دستگیری از قصد آنان بی خبر بوده است.

اما وزیر کشور جمهوری اسلامی، حجت الاسلام علی اکبر محتشمی، از این حیث از همسفران خود متمنا بیست که هیچ تلاشی در لوت کردن قضیه بخرج نداده است. رک ویست

کننده گفته است: نظام بزرگی به دستور بگانیان اعلام اعتصاب کرد، و چون سوال احمد کاشانی از وزیر دولت در عین حال دفاع از نظام بزرگی شما می آید، به معنای مخالفت با جمهوری اسلامی، یعنی همان نظامی است که " امام " دفاع از آن را بر همه واجب داشته است. محتشمی سیر احساسات دینی - سیاسی خود را به فوراً در می آورد می گویند: " افتخار می کشم که از جوانان حزب الهی دفاع می کنم ... مگر نظام اسلامی مثل نظام شاه است که به نفع نظام بزرگی مردم را به گلوله می بندد، مگر نظام شاه است که به خاطر بدحجاب ها جلوجوانان و است حزب الله را بگیرد؟ "

وزیر کشور جمهوری اسلامی، در عین حال که به بر سرش نموده، مجلس پاسخ درستی نمی دهد، اعتراف می کند که: " تیرماه در جماعت حزب الله در روز ۲۵ تیرماه در اصفهان به مطب و آزما یگان بزرگسالان هجوم برده اند، پزشگان را کتک زده اند و ابزار رو سایل آن ها را بهم ریخته خرد کرده اند و رفته اند.

وزیر کشور جمهوری اسلامی اعتراف می کند که دولت از وقوع این حادثه، پیشاپیش اطلاع داشت ولی چون مرتکبان جسیز و جماعت حزب الله بوده اند، دست آنها را در این حجاب و زبا زکداشته است.

احمد کاشانی، پیش از آن که با زداشت کرد، همین قدر فرصت داشت که سوال خود را به کمیسیون ارجاع کند چون توضیحات نماینده دولت را قانع کننده نیافت.

تاکنون دیگر هیچ صدائی از مجلس شورای اسلامی برخاسته است. نمایندگان ما ست‌ها را کیسه کرده اند. ما شین جنگ قسودت سهمناک تر از آن است که نمایندگان مجلس اسلامی در خود زور متوقف کردن آن را ببینند. تا چا ر ترجیح می دهند که خود را کتار بکشند. ولی نیازی نیست که آنها به طرف آن ما تین بروند. ما شین جنگ قدرت به سراع یکا یک آن ها خواهد رفت و سیاری را در زیر جرخ های خود له خواهد کرد.

بخش کند؟ و آیا او اعلامیه را خودش به دست گرفته، یا دگان به یادگان برده بخش کرده یا اینکه در این کار با سادی و عواملی داشته است؟

در این باره هیچ توضیحی داده نشده است. در عوض می دانیم که احمد کاشانی در یکی از جلسات اخیر مجلس شورای اسلامی ستوائی کرده بود بدین مضمون که: " حرا در روز چهارشنبه ۲۵ تیرماه، از ساعت ۵ بعد از ظهر به بعد، عده ای سا زمان یافته و مسلح به سلاح های سرد در اصفهان به مطب و حتی آزما یگان چند پزشک هجوم آوردند و " برا ز بیرون کردن بیماران به ضرب و شتم پزشگان برداشته و بعضاً " تا حد بییهوشی آنان را مضروب و مجروح نموده و پس از خرد کردن لوازم و وسایل مطب ها و آزما یگان ها از محل گریخته اند. "

کسانی را دو چهره یا چند چهره می نامند. اما در واقع چهره اصلی شان یکی - بیش نیست، ما بقی صورتکهای آن است که بر چهره می نهند. ما اکنون کاری به این نداریم که فرستگانی در کجا با چهره واقعی و در کجا با صورتکهایش ظاهر می شود.

چهره واقعی او هر چه باشد، وی اکنون به عنوان آدم اهل با زش با غرب شهرت یافته است. او احتمالاً این را نمی خواست، ولی این برای نخستین بار نیست که در سیاست، انسان کام در راهی می گذارد که هرگز بداند نیندیشیده بود. مگر همین فرستگانی در روزهای که از راه روزنه خوانی امر معاش می کرد، بد فکرش می رسید که روزی با معامله زمین و خانه میلیون ها ثروت ببنند و زده؟ شاید در رو" یا با بیش چنین چیزی را آرزوی کرد.

ولی آیا به خواب می دید که به ریاست مجلس - آن هم از نوع اسلامی آن - در سرزمینی چون ایران برسد؟ معبود او دست خودش نبود. سقوطش نیز دست خودش نخواهد بود، چه رسد به آن که بخواند از سقوط رژیم نیز جلوگیری کند. در رسانی های همگانی غرب گرایش عجیبی به مبالغه وجود دارد، ولی در مهارت های او هر قدر هم مبالغه شده، باز هم نمی توان گفت که وی از پس کاری نخواهد آمد که به حکم قانون حرکت جا معرو به خراسی و تبا می دارد.

نظامی فروریخت و انقلابی بر آمد و اکنون در رودسته ای را برای تحصیل و تشییع قدرت به جان یکدیگر انداخته است. جمهوری اسلامی خرمی در حال سقوط است. وزن این چرم سنگین تر از آن وسرعت سقوط آن بیشتر از آن است که فرستگانی بتوانند جلوی سقوط را بگیرند. سقوط آنها و سقوط رژیم حتمی است. اگر بسهم بچسبند، با هم سقوط می کنند، و اگر از هم جدا شوند، جدا از هم سقوط خواهند کرد. انجام کار در هر حال یکی است.

بینجامد. زیرا به موجب قوانین خود جمهوری اسلامی با زداشت نماینده مجلس، بی آنکه قبلاً از او سلب مصونیت شود، مجاز نیست. و سلب مصونیت باید به تصویب خود مجلس صورت گیرد. ولی تا آنجا که ما می دانیم چنین درخواستی از سوی منابع قضائی جمهوری اسلامی از مجلس شورای اسلامی نشده است. وزارت اطلاعات در " ما " به اسن با زداشت دست زده است. بی آن که به مقام های قضائی یا به مجلس اسلامی مراجعه کرده باشد.

باری، اگر هم آنها ماتی که به وی وارد آورده اند درست باشد، مسأله این است که بیک نماینده مجلس چرا باید در میان نیروهای مسلح اعلامیه

یک نماینده مجلس شورای اسلامی را با زداشت کرده اند. مجلس اسلامی که نمایندگان آن معمولاً بر سر مسائل جزئی قشقرقی بر راه می اندازند تا وانمود کنند که در جمهوری اسلامی آزادی بحث و بیان وجود دارد، در این باره مهر سکوت بر لب نهاده است. تاکنون صدای اعتراض یا حتی پرسشی برخاسته است که علت با زداشت این نماینده - احمد کاشانی - چه بوده است. همه گویا به همان توضیحی که وزارت اطلاعات رژیم درباره این با زداشت داده است قانع شده باشند. این نشان می دهد که نمایندگان مجلس نمی توانند با از گلی می که زیرشان انداخته اند در از ترکتند با که با از دایره ای که دورشان کشیده شده است، بیرون گذارند.

وزارت اطلاعات رژیم می گوید احمد کاشانی بدان علت با زداشت شده است که در میان نیروهای مسلح، به ویژه ارتش، اعلامیه های تحریک آمیز سخن می کرد. این دلیل، حتی اگر راست باشد، نمی تواند به زداشت یک نماینده

با هم یا جدا از هم -

سقوط حتمی است

بقیه از صفحه ۱

یکدیگر گرفته اند و با دست دیگر درازند نیغده کار در را تا دسته در شکم یکدیگر فرو می برند. هر دو البته حسرت روزهای گذشته را می خورند، لیکن دید آنها نسبت به آینده با یکدیگر کاملاً متفاوت است: آن یکی چند سالی را بر خورد از قدرت مطلق گذرانده، و این دیگر حتی امیدوار نیست که در آینده به قدرتی نسبی نیز دست پیدا کند، زیرا از همه سخنانش بر می آید که هیچ امیدی به آینده رژیم ندارد.

رژیم آینده ای ندارد، ولی بدین سبب عاملان و کارگزاران آن از دست و پا زدن با زنی مانند تقریباً " هیچ رژیم می وجود ندارد که کارگزاران آن، قدرت را بی هیچ تلاشی و نهنگد و بی کار خود ببروند، خاصه رژیم اسلامی که سردمداران آن هرگز نخواهند توانست به آسانی بی کار خود ببروند، آن ها اکنون دیگر خوب فهمیده اند که اگر هم نخواهند کاری به کار ملت داشته باشند، ملت با آنها کار دارد. هاشمی فرستگانی که تاکنون خود را زبرکانه از کانون نیرو قدرت دور نگاه داشته بود و همواره بر آن می دید که به جای با زگیری در صحنه، صحنه هارا کارگردانی کند، اکنون ناگزیر گردیده است خود را در وسط میدان نشان دهد.

رسانه های همگانی غرب به او تشییع میانه روی و اعتدال می دهند، و نیز بدن نمی آید که در غرب چنین چهره ای از خود نشان دهد. این از پاسخی که به پیام نخست وزیر ایران داده است بخوبی می پیداست. ولی این دیگر آن چهره ای نیست که وی نتواند خود را با آن به عناصر انقلابی درون رژیم نشان دهد. در نتیجه با چهره ای تندرو و انقلابی در برابر آنان ظاهر می گردد. معمولاً چند

انحلال سا زمان ما همدین انقلاب اسلامی، با زداشت برادران هاشمی، با زداشت احمد کاشانی و شایعه با زداشت هاشمی دستگیری های دیگر فقط پیشدرآمد جنگ قدرتی است که در عین حال می تواند آغاز بیا این رژیم جمهوری اسلامی نیز باشد. جنگی که بدین منظور و زنده می شود که جناحی را بوجناح دیگر مسلط گرداند، می تواند هم در جناح را در آتش خود بسوزاند. از اینرو هاشمی را بیت الله منتظری که این جنگ ممکن است تمامی نظام را به نابودی بکشد، واقع - بینانه تر از طمینان آیت الله خمینی به نظر می آید که گفت نظام جمهوری اسلامی و جنگ، پس از مرگ او نیز ادامه خواهد یافت. به راستی نیز " رهبر " و جانشین او آینده جمهوری اسلامی را با دود دید متفاد می نگرند: یکی با دید کسی که آفتاب عمرش بر لب با م است و هرگز نگران آینده نبوده است، و دیگری با دید کسی که برای رسیدن به مقام رهبری روز شماری می کند، یکی با دید کسی که سوار بر موج شورش همگانی به قدرت رسید، و دیگری با دید کسی که شاهد بی اختیار و اوضاع است.

سردمداران رژیم با یک دست کوبیدن

همسفران همسر!
هر روز نایب صری سبب متابعت ملی ایران از ما بعد ۱۱ صبح سا را در جوان آخرس صرحای ایران و جهان قرار می دهد. سا ره تلخ:
۸۵-۸۵-۳۶-۴۳-بارس

ایران و خاورمیانه



در مطبوعات بین‌المللی

عدم قبول اشتباه

خبرگزاری فرانسه در گزارشی می‌نویسد: تحویل اسلحه به جمهوری اسلامی، لطمه‌ای شدید به اعتبار سیاست خارجی آمریکا وارد کرده است و احتمال می‌رود که ۲ سال آخر حکومت ریگان را به کاغذ بوس درآورد. مذاکرات محرمانه کاخ سفید با مسئولان جمهوری اسلامی که سرانجام روز پنجشنبه گذشته (۱۳ نوامبر) از سوی شخص ریگان تأیید شد، در کنگره آمریکا، چندی در بین بسیاری از متحدان آن کشور چه در بین کشورهای میانه و عرب با انتقاد شدید روبرو شده است.

نظرخواهی‌های اولیه حاکی است که مردم آمریکا نیز سیاست ریگان را ناپسند نمی‌کنند. بسیاری از معسران معتقدند نحوه اجرای سیاست محرمانه واشنگتن به وضوح نشان دهنده به هم ریختگی در هداست سیاست خارجی آمریکا است.

جرج شولتز وزیر خارجه آمریکا برخلاف معمول حساب خود را از کاخ سفید جدا کرده است. سخنگوی وی روز جمعه اعلام کرد که شولتز مستقیماً در کربلاین ماجرا نبوده است و تنها بطور حسته‌گرفته از بعضی جزئیات آن مطلع شده است. وی بدین ترتیب وجود اختلاف در هیئت حاکمه آمریکا را در مورد تحویل با عدم تحویل جنگ افزار به جمهوری اسلامی به منظور برقراری مناسبات و کسب آزادی گروگان‌ها، تأیید کرد.

ریگان تا کنید کرده است که سلاج‌های تحویل داده شده به رژیم تهران، دفاعی و مقدار آن ناچیز بوده است. "گاسپاروین برگر" وزیر دفاع آمریکا نیز به گفته منابع آگاه، مخالف مذاکره با جمهوری اسلامی بوده است که بطور عمده زیر نظر دربار "پوشین دکستر" رئیس شورای امنیت ملی آمریکا انجام گرفت.

خبرگزاری فرانسه به نقل از روزنامه واشنگتن پست می‌نویسد: سازمان "سیا" نیز در این ماجرا دست داشته است. ریگان به "ویلیام کمبلی" رئیس سازمان "سیا" دستور داد که کمیسیون‌های امور امنیتی پارلمان آمریکا را در جریان این مذاکرات قرار ندهد. از سوی دیگر سیاست ریگان، در کنگره آمریکا نیز انتقادهای شدیدنا پندگانه را برانگیخته است. "پاتریک لی هی" نا یب رئیس کمیسیون امنیت مجلس سنا، روز ۱۵ نوامبر اعلام کرد که انجام مذاکرات محرمانه با جمهوری اسلامی احتمالاً برخلاف قوانین دولت آمریکا است و این موضوع باید اساس تحقیقات کنگره را تشکیل دهد که قرار است در هفته جاری انجام گیرد.

خشم نمایندگان پارلمان آمریکا ناشی از دو واقعیت است، یکی آن که کاخ سفید این مذاکرات را از آن‌ها پنهان نگاه داشته بود و دیگری آن که ریگان با انجام آن، قاعده اساسی خود را که عبارت از عدم مذاکره با تروریست‌ها برای آزادی گروگان‌ها بود زیر پا گذاشته است. بسیاری از متحدان آمریکا نیز در این احساس شریکند. معسران می‌گویند آمریکا از این پس حتی با وجود مجازات‌های اخیرش علیه سوریه بدشواری می‌تواند تبلیغات و مبارزه ضد تروریستی خود را ادامه دهد.

مذاکرات محرمانه با جمهوری اسلامی، همچنین خربه جدیدی در مناسبات نه چندان درخشان آمریکا با کشورهای میانه و عرب وارد کرده است. روزنامه‌های آمریکا نیز همچنان به

انتقاد از ریگان ادامه می‌دهند. نیویورک تایمز در سرمقاله‌ای با عنوان "در کاخ سفید چه می‌گذرد؟" می‌نویسد: سیاست خارجی دولت ریگان در حال تجزیه است. روزنامه "یرنوفد" واشنگتن پست در همین باره می‌نویسد: تا بحال نتیجه این اقدام، یک فاجعه سیاسی بوده است، که با امتناع لجاجت ریگان از پذیرفتن اشتباهش، وخیم‌تر می‌شود. واشنگتن پست می‌نویسد: شاید بهترین می بود که ریگان قبول می‌کرد این سیاست را برای کسب آزادی گروگان‌ها در پیش گرفته است. بدین ترتیب باید به اعتبار او لطمه کمتری وارد می‌شد.

خبرگزاری فرانسه - ۱۷ نوامبر ۸۶

مهاجرت یهودیان ایران

نیویورک تایمز در مقاله‌ای دربار "مهاجرت یهودیان ایران" می‌نویسد: به دلیل بالا گرفتن فشار بر یهودیان ایرانی، سیل روز افزون پناهندگان یهودی از ایران به سوی اسرائیل جاری شده است. اما بنسب به گفته یک مقام عالی رتبه اسرائیلی در بیت المقدس هیچ رابطه‌ای میان مهاجرت یهودیان ایرانی و فروش اسلحه آمریکا پی به تهران وجود ندارد.

به نوشته نیویورک تایمز، هر هفته حدود ۶ تا ۷ ایرانی یهودی که بطور غیرسری قاچاقی از کشورشان فرار کرده‌اند وارد وین می‌شوند و خود را به مقامات اداره پناهندگی اتریش و مسئولان اسرائیلی معرفی می‌کنند.

کمیته‌های انقلاب اسلامی در ایران مدرسه‌های یهودیان را بسته‌اند و جلساتی تئوریک و عملی را می‌گیرند و جووانان یهودی را به تغییر مذهب وادار می‌کنند و اموال یهودیان را مصادره کرده‌اند. آنان را از شغل‌های دولتی برکنار می‌سازند. این کمیته‌ها دائماً "یهودیان را دستگیر و زندانی و شکنجه می‌کنند. تعداد یهودیانی که هنوز در ایران مانده‌اند بین پانزده تا ۲۵ هزار تن است.

در هفته‌های عزیمت شاه سابق ایران تا به حکومت رسیدن آیت‌الله خمینی در سال ۱۳۵۷، شرکت هواپیمایی ال‌عال هزاران تن از یهودیان ایرانی را به اسرائیل منتقل کرد.

در ماه‌های اخیر به دلیل بالا گرفتن موج دستگیری‌های سیل مهاجرت یهودیانی که از ایران می‌گریزند افزایش یافت

است. به گفته یهودیان ایرانی با همه این‌ها، وضع یهودیان ایران با سرنوشتی که بهایشان در این کشور یافته اند قابل مقایسه نیست.

یک مقام برجسته اسرائیلی اظهار داشته است، یهودیان ایران در حال حاضر مثل همه اقلیت‌های دیگری با مشکلات فراوان روبرو هستند. به گفته این مقام اسرائیلی که نخواست نامش فاش شود، تعداد یهودیان در ایران اکنون کمتر از سی هزار تن است حال آنکه تا قبل از سقوط شاه به ۸۰ هزار تن می‌رسید.

به گفته این مقام، بعضی از یهودیان برای خروج از ایران ناگزیراً زبردخت مبالغ گزاف پول بوده‌اند، اما این موردیست که همه ایرانیان بدان گرفتارند و خاص یهودیان نیست.

یک مقام مطلع در اسرائیل تعداد مهاجران یهودی را که در سال‌های اخیر به اسرائیل رفته‌اند ۱۵ هزار تن ذکر می‌کند. ۵ هزار تن از یهودیان ایران نیز به ایالات متحده و کانادا و اروپای غربی مهاجرت کرده‌اند.

نیویورک تایمز - ۱۸ نوامبر ۸۶

سیاست نرم تر

به نوشته روزنامه واشنگتن پست، شورای امنیت ملی آمریکا، در تیرماه سال گذشته، توصیه کرد که سیاست آمریکا در قبال جمهوری اسلامی نرم تر شود، تا بتواند عقب ماندگی خود را نسبت به شوروی که با بعضی جناح‌های رژیم تهران رابطه برقرار کرده است، جبران کند.

به نوشته واشنگتن پست، شورای امنیت ملی آمریکا سندی محرمانه‌ای بین هیئت حاکمه آمریکا منتشر کرد متکی به یک یادداشت سازمان "سیا" به تاریخ ۲۷ اردی بهشت سال گذشته، مبنی بر این که آمریکا نسبت به شوروی در مورد برقرار کردن رابطه با بعضی جناح‌های جمهوری اسلامی که ممکن است بعد از مرگ خمینی قدرت را به دست بگیرند عقب مانده است.

شورای امنیت ملی با تکیه بر این یادداشت، به دولت آمریکا توصیه کرد که متحدان خود را تشویق کند تا ایران را رابطه برقرار نکنند و بعضی انواع جنگ افزار را در اختیار رژیم تهران قرار دهند، و مقررات تحریم جهانی فروش اسلحه به جمهوری اسلامی را که بعد از بدگروگان گرفتن دیپلمات‌های آمریکا در تهران، برقرار شد، قدری نرم‌تر کنند.

در باره واکنش جورج شولتز وزیر خارجه آمریکا نسبت به توصیه شورای امنیت ملی، گزارشی منتشر شده است، ولی منابع موثق می‌گویند "واین برگر" وزیر دفاع آمریکا در کناره‌نشانی یادداشتی که به‌وی داده شد نوشت: "بی معنی است."

بر اساس همین منابع، واین برگر طی نامه‌ای به رابرت مک‌فارلین مشاور وقت امنیتی ریگان توصیه کرد که آمریکا تا زمان مرگ خمینی رابطه خود را با جمهوری اسلامی به هیچ وجه تغییر ندهد.

واشنگتن پست - ۱۸ نوامبر ۸۶

تایید فروش اسلحه

به نوشته روزنامه لوس آنجلس تایمز، چاب آمریکا در خلال مذاکرات محرمانه جمهوری اسلامی با آمریکا، چندین کشور از جمله فرانسه و پرتغال با آگاهی و حتی گاهی با تأیید آمریکا، اسلحه به جمهوری اسلامی فروخته‌اند.

لوس آنجلس تایمز به نقل از دو منبع می‌نویسد: فرانسه و پرتغال توپخانه و مهمات به جمهوری اسلامی داده‌اند، اسرائیل، سوئیس، آتریش، آلمان فدرال و انگلستان نیز جزو کشورهای هستند که به جمهوری اسلامی جنگ افزار فروخته‌اند.

تحویل این سلاح‌ها در بعضی موارد عملیات صرفاً تجاری بوده و در بعضی موارد از سوی اسرائیل به عمل آمده و گاهی مستقیماً از سوی آمریکا.

قاچاق اسلحه

تصمیم رونالد ریگان مبنی بر آغاز مذاکرات محرمانه با جمهوری اسلامی و تحویل آنچه "مقاوم محدودی سلاح و قطعات پدکسی نظامی" خوانند، در آمریکا بحث و جنجال کم‌ابعد در سطح ملی راه انداخته است.

روزنامه نیویورک تایمز، به جزئیات این ماجرا پرداخته و وزیرعنوان "ارتباط ایرانی" در واقع کفایت‌خواستی علیه سیاست ریگان اقامه کرده است. وی می‌نویسد: ریگان در یک برنام "تلویزیونی" ۱۲ دقیقه‌ای تصریح کرد که اعاده‌ای از ۱۸ ماه دیپلماسی محرمانه و فروش اسلحه قاچاق به جمهوری اسلامی به دست داده، رژیم‌هایی که دولت خودی او را به عنوان یکی از ریشه‌های تروریسم و تعصب ضد آمریکا می‌درد، در جهان معرفی کرده است.

لحن انتقادی مقاله "نیویورک تایمز" را طرح‌هایی از خمینی و ریگان که در دو طرف صفحه به‌جا برسد است شدت می‌بخشد. تمام طول یک طرف صفحه را تصویر ریگان و طول طرف دیگر صفحه را تصویر خمینی پوشانده است که تیرنگاه‌های غضب‌آلود خود را نشان می‌دهد. ریگان از صندوق‌های اسلحه و مهمات با ساداری می‌کنند و خمینی مراتب گروهی گروگان چشم و دست و پا بسته است.

انتقادهای نیویورک تایمز از چاق و چوب مقصولات روزنامه‌نگاران بسیار فراوانی رود. بسیاری از کارشناسان منطقه، مشخصاً سیاست بین‌المللی و مسئولان سابق سیا می‌آماریک در محکومیت سیاست ریگان سخن گفته‌اند.

"زبیک نیویورکسکی" که به عنوان مشاور پرزیدنت کارتر در امور امنیتی، کا بوس روزمره گروگان‌گیری دیپلمات‌های آمریکا را در تهران گذرانده است، می‌گوید: اکنون ایرانیان می‌توانند ما را به هر سو که می‌خواهند ببرند. این خطر وجود دارد که با زنگران‌های جدیدی بگیرند و خود را در دست مرتسب اسلحه شوند. این تصمیم ما را چاق و چوب ایران نشان می‌دهد و عراق را به دشمن ما تبدیل می‌کند.

کارشناسان دیگر نیز با لحن‌های مختلف همین استدلال را تکرار می‌کنند. "استانفیلد ترنر" رئیس پیشین سازمان "سیا" می‌گوید این ریاکارانه‌ترین سیاستی است که تا بحال دیده‌ام. در واقع ریگان نمی‌گوید: آنچه را که می‌گوییم سرمشق قرار دهید، نه آنچه را انجام می‌دهم.

ویلیام گولبی، یکی دیگر از رؤسای پیشین "سیا" و کارشناس مورخ‌ساز نزدیک و خاورمیانه‌یکی ره‌آین استدلال را که آمریکا در صدد حمایت از دولت‌های میانه‌رو منطقه بوده است رد می‌کند و می‌گوید: "این سیاست برعکس، فشار بر عربستان سعودی و کشورهای خلیج فارس را افزایش می‌دهد و ممکن است بنیاسد

بقیه در صفحه ۱۱

فرهنگ ایران

محمد جعفر محبوب

یکصدمین سالروز تولد

ملک الشعراء بهار، شاعر ملی

یکصدسالینیت از این روز ۱۹ آذرماه سال ۱۲۴۵ خورشیدی مطابق ۱۰ دسامبر سال ۱۸۸۶ میلادی و سیزدهم ربیع الاول سال ۱۳۰۴ هجری قمری درخاندان ملک الشعراء وقت آستان قدس رضوی سمرقند به جهان گشود که وی را محمدتقی نام نهادند. وی نخستین فرزند خانواده خویش نیز بود.

در بهار خوش نداشت که فرزندانش را غریب بپوشد و بیوسته بدومی گفت در آینده نمی توان از راه شاعری نان خورد، و از این روی او را به روی آوردن به بازار گانی که شغل خاندان مادرش بود تشویق می کرد، اما بهار ذاتاً "نا عززاده شده بود در عین حال در او آن کودکی رغبتی به تحصیل علم و فرا گرفتن دانش های رایج عصر نشان نمی داد. به راه تجارت نیز نمی رفت و از این روی همواره پدر را شکران سرتوشت آینده خویش می داشت، اما با وجودی رغبتی به تجارت و ملاقات از تحصیل ازگفتن شعر با زنی ایستا دوا شعاری - البته نااستوار - از روزگار رکودکی و ستین سیزده و چهارده سالگی او در دست است.

هنوز بهار درست به دوران جوانی قدم ننهاده بود که پدرش درگذشت و با مسئولیت سنگین سرپرستی و پرداخت مخارج سنگین عاقله پدر (ما درود و سیرا درویک خواهر) بدومی وی افتاد.

در چشمه حال وی در مقدمه دیوانش آمده است که "بهار ریس از فوت پدر در گشتن عمر رفتنه حنسان مهارت به خرج داد که جز معدودی از استادان، سایر خطای خراسان آن را باور نکرده می گفتند! سار پسرش را می خواند." بارها استادان و سخن سنان و فرمان روائان خراسان به امتحان او پرداختند و بهار را به بهانه های در این آزمون ها توفیق یافت، اما دشمنان اومی خواستند منصب پدرش - ملک الشعراء آستان قدس - را از دست او بریابند و بهار در دوستان پدرش به دودلیل، یکی نیا زمدی خاندان صبوری و بهار به مقرر این منصب، دودم شایستگی کامل بهار برای داشتن این کار را تا بدان حد که شهرت او به سرا تبار شہرت پدرش (شیراز) امر را داشتند که وی به حق خموش برسد و سرانجام بهار و هوای خوش بیروز شدند.

در هنگام انقلاب مشروطه و در تاریخ صدور فرمان مشروطیت (۱۳۲۴ ه.ق.) بهار بیست سال داشت، جوانی بود پر شور، با احساسات تندمپهن پرستانه، که برای رسیدن به هدف های مترقی سیاسی خویش مقاله های سیاسی و ادبی و مطبوعاتی و تالیفات علمی در برآوردن و نگاشتن بیانات ملی و طبقات مختلف مردم و در بیان جنبش مشروطیت و بدگویی از محمدعلی شاه و سایر پسران استبداد می سرود.

بهار شاعر، روزنامه نگار، ادیب، محقق، داستان نویس و مردم پسندی است و هر یک از این جنبه های گوناگون زندگی وی می بایست جداگانه مورد تحقیق و بررسی قرار گیرد. اما این گفتار کوتاه گنجینه اش برآوردن به تمام آن ها را ندارد، از این روی فقط با اختصار تمام درباره شعر و تحقیق و مباحثات وی سخن می گوئیم بی آن که در حقیقت حق چنین گوینده ای را ادا توانیم کرد. از این روی بهتر است چند بیت از قصیده های را که خود درسی و هفت سالگی سروده و صحنه های بی از زندگی اجتماعی خویش را در آن یاد کرده و بیرون روزه کار جوانی حسرت خورده است نقل کنیم:

جزم اندر خاوران معروف، برآوردن آید...
اندر آن دوران نبود اندر و اوین (دیوان های) عجم را
را و ستادی، سمرقندی، کان مرا از سر بود...
دستی ها این حسین پر حجت و شدت نبود
دوستی ها سر از این سان ناقص و ایتر (دمیده) بود
شور و ستری تا که اندر طوس زادان انقلاب
فکر من نیز بی رغبت به شور و سر نبود...
در سیاه و فغانم آغوا را و غلا
وین همی دانم به خوس، کان مرا در جو بود...
سوی ری راندم به خواری حواری در در سحر حواری
کسوری دیدم که چر لعنت در آن کور نبود
مردمی دیدم یکا یک از گدا تا شاه، زن
منها همچون ریان سرفروشان معجز (روسی) بسود
مغتری (= گروهی) دیدم سر از جوان تا سر، درد
لیک چون دزدان لباس ریده شان در بر نبود
سپس به انشا روزنامه، نویها در مشهدا شادمی گشود
شرح می دهم که چگونه بر اثر تجدد خواهی و سخن گفتن از
اصلاح بد در سر افتاد و تکفیر شده است:
سویاری ما ختم زاننده های تا سناک
کا در آن جزالاه و سر بی و سینه بر نبود
در خورا خلاق ام، در خورا طراح قوم
لیک تنها در خوریک مست حیلت گشود
از خدا بیگانه ام حوایند اندر مرز طوس

از خدا بیگانه نکان، اما به بیخسر بسود
محصری کردند در تکفیر من زی کاخ عدل
لیک تا سیری از آن محصر، در آن محصر نبود...
سپس گرفتاری خویش به آثاره، روس و انگلیس و تمسید
به سنان و سپس به جنود را شرح می دهم می گوید که
پس از آن گرفتاری ها به مجلس چهارم راه یافتند ما در
آن جا نیز جانها ز محنت گداخته و غیرا ز چند تن معدود
دا نشمنه و راه، چیزی جز فاساد و بد طیشی و غرور و غفلت در
اقلیت و اکثریت ندیده است. سرانجام محافل اجتماعی
آن روز را توصیف می کند. وصفی که گویی همین دیروز،
و برای مجسم ساختن وضع اجتماعی امروز ایران سروده
سده است:

در محافل با نهادم، غیر گرک و گوسفند
در محامع سرورم، حراست و حراست سرور
دسته دسته گوسفندان دیدم و سر دسته گرک
گرک خوشان حور و مسکن نه را با نبود
انعیانی آدمی و ش، مردمی افعی سرت
و که اندر دست من کز می گران پیکر نبود
ز هر افعال است در دستان ما را نریا
حون گرد گویند جز بسویدنی دیگر نبود
هر که رخ نافت از اسب سبای زهر دار
تا نس غیر از خان و و موشن بجز کا فر نبود
گوفتم سر از افغان، نیز از میانان بر دمی
چهل اسرافعی برستان مانع من گرن بود
کشور را از بند هرگز چنین بی تا سنان
حانه، سویوا هرگز چنین بی در نبود
شیر و خورشیدی درخ رجنسی می کردا زانک
خری و ره بر اگذاری بریک آسحور سوره
زود در سار زندگمان... وین سمل روس بود
گر موسی کردیک جیبر مرگ خرن بود
بساری از شعرهای بهار جنبه ملی، دفاع از آزادی،
تشویق تجدید، مبارزه با خرافات و ریاکاری و ستایش
بزرگان ادب و هنر ایران را در دهه هجده شعرهای او در این
زمینه ها از بهترین آثار او است:
ای آزادی، خجسته آزادی
از وصل تورو، سونگردانم
تا آن که مرا به نزد خود خوانی
تا آن که تورا به نزد خود خوانم

هر که در اضطراب وطن نیست
آینه و سرند خوش نیست...
فرتوت گشت کسور و او را
بایست ترز گور و کفن نیست
یا سرک، یا تجدد و اصلاح
راهی جز این دو بیس وطن نیست،
ایران کهن سده است سرای
در مانس جز به تا زدن نیست

هر که را مهر وطن در دل نسا سکا فرات
معنی کت الوطن فرموده، بی معبر است
هر که به بریای عیش و مال و مسکن داد جان
حون سپدان از می فخرش لابل ساغراست

ترسم من از حتم و آتش فلان او
وان مالکی عذاب و عمود گش...
آن ازدهای او که همس هست صد ذراع
وان آدمی که رفند میان دهان او...
جز جندت ز "ما علمای" جمله کاسات
هستند غرق لقه (= گرداب) آنس فلان او
موقیوه، سبست برین رایه نام ما
نموده وقف، واقف جنت مکان او

آخه کورس گردودا را و اچه زردن سب مبین
زنده سدا ز هت فزدوسی بیختر آفرین
تا ز سدا ز طبع حکم زای فردوسی سده
آخه گردندان بزرگان در جهان از داد و دین
با ستای نامه، کا ما سدسی اندر خاک و کل
ساریان در سید و سجا سال، از جهل و کین

آفتاب طبع فردوسی به سب و سب سال
تا زه از کل سرگسندی حون سگفته با سب
جای آن بود که تمام این قصیده ها و ده ها قصیده نظیر
آن ها و نیز شعرهایی که در حبس های متعدد و تبعیدهای
گوناگون خود سروده و از ظلم و جور کام برکشور گله کرده
و لب به انتقاد اجتماع می گشوده و گاه به مراجعت شاهان
ستمکار را سرزنش کرده و بر سرشان فریاد کشیده است که:
ساداها ز دروغ و ز طبع دست به دار
کن سا سدر دروغ و ز طبع دست به کار
نقل می شد، اما افسوس که مجال این کار در این نامه

نیست، تنها اندکی از ترانه های وی سخن می گوئیم و آن
را به دست دادن فهرست آثار بهار به پایان می آوریم.
اما برای نشان دادن قدرت وی در کارهای قصیده
"سکوت شب" را که به سال ۱۳۰۱ شمسی درسی و شش سالگی
سروده و خود آن را در شام رده قصیده ای آورده که پیش از دیگر
آثار خود دوست می داشت چون تا جی برتا رک این گفتار
قراری دهیم.

آفت زوز بر من از این رخ جانگزی
بخنای بر من ای شب آرام دیربای
ای لگه، سید ز من بر برب
وی لگه، سیاه ز من شرق سر آرای
ای عصر، زره غیمه، زوز بر برب
وی شب، سیاه جا در انصاف بر کنای
ای لیل مظلم، او در فرقا نه و امکرد
وی صبح گادبا زین البرز بر بربای
ای تیره شب بهر، غم خواب خوش بیاف
وی خواب خوش بزلف ابل مشک تیربای
من خود سبب ایناه برم ز از حام روز
دو گوش و چشم سست ز غولان حره لای
چون بر غود ز من شرق تیغ کور شب
مغرب بحون روز کشده امی فبای
و از خواب روز و راهم اندر سکوت شب
با فکرتی برینا، با فامتی دوتای
چون آفتاب خواست کشد سر تیغ کوه
چونان بود که بر من تیغ سر کرای
گویم تیا، بمد که بر آستین، ولیک
چندان دود ز دیده فاشم تورا، مزای
ای تیغ کوه، را و نظر ما عتی بی بند
وی چیک سب در پس که لحظه ای بیای
ای زرد چهره صبح دفا، وصل کم گزین
وی لمبوت شب تبه کون، هجر کم فزای
با روز دشنم که شود جلوه کسر بروز
هر جزو ما را دی، هر زشت و نا زای
من بر غی شب که یکی برده انگند
بر قصه ما دنا و بر منزل گدای
دهر هزار رنگ سبایان شود به روز
با جلوه های ناخوش و دیدار بد معای
کوشی مراد را خیزشت، کوشوار
چشم میدار انگشوم، سرمه های
آن نشنود مگر سخن سب ناکار
این ننگ در عمل لغو تا بجای
لغت به روز با دیوار این نامه های روز
وین رسم ز طانی و این نوم و زحای
با موس ملک در کف غولان شهر ری
تنظیم ری بعد، دیوان تیره رای
قومی همه عیب و معنی کام زمین
خلق همه گدای و بهت کم از گدای
یکسر نمود و بر شرف و ز گشاده دست
مطلق حسود و بر سر رخ سباده پای
هر با سداد اردل و چشم وزبان رگوش
تا تا نگاه خون خورم و گویم ای خدای
از دیده بی سرک بگویم بجز از زار
وز سینه بی خورش بنالیم بهای های
اشکی نه و گذشت زردمان سرک خون
با تکی شه و گذشت زکیوان فغان و زوای
بیتی به حسب حال بیارم از آنچه گشت
معدود سب سبمان در آن بلند جای
"گردون بدر دورنح مرا کشته بودا کسر
بیوندم من نقدی نظم جان فزای"

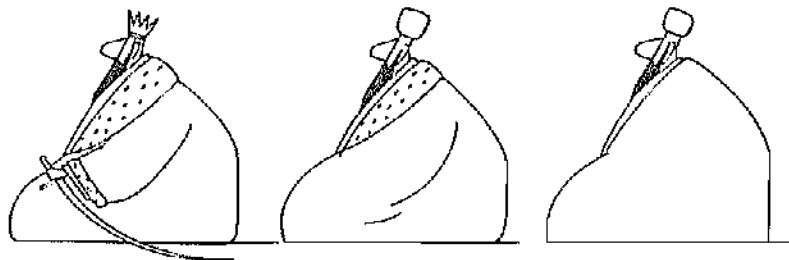
در جلد دوم دیوان بهار ۱۵ ترانه از او ثبت شده است که
همه آن ها در حداثی فضای فضاحت و بیباکی است و بعضی جنبه
تاریخی یا فقه و هر چند گاه یک بار با اجزای تکرار
انشاء می یابند. ما نند ترانه مرغ سحر در دستگا ما هور
و عروس گل در افشاری ویدا صفهان رو در بیات صفهان،
از بهار انواع شعر، از قصیده و غزل و قطعه و رباعی و
مسطح و مشنوی و شعرهایی به لجه، محلی خراسانی به
یادگار مانده است. با این حال او استاد بزرگ و بی نظیر
قصیده است و بی شک در دوران زندگی وی هیچ کس قصیده
را به سادگی و جزا است و انسجام وی نمی سرود و این که
خود را در چکا بهای "سومی فزخی و عنصری" خوانده است
سخنی به گزاف نیست و او پسین سخن آن که آنچه در او مجتد

خبرها در جمهوری اسلامی همواره زنده‌ها و راه‌های متداول انتشار نمی‌باشد، گه‌گاه با بیاد زلزلای سطور در روزنامه‌ها نکته‌هایی را دریافت که اهمیت آن‌ها از آنچه با عنوان‌های درشت چاپ می‌شود، بسیار بیشتر است.

تاکنون در رژیم تهران تقریباً "همه برهیزی کردند" از اینکه آیت‌الله خمینی را مستقیماً مورد حمله قرار دهند. نه تنها از حمله‌های مستقیم و آشکار برهیزی‌شد، بلکه هرکسی می‌کوشید در جنگ فسادت، شاه‌هدی از فتواها و گفته‌های خمینی به سود خود بسپارد. خمینی خود این حالت را نا زمان تحمل می‌کرد یا حتی می‌پسندید که در نزارها و گشامکش‌ها به عنوان داور نتایج بد میان کشیده شده به عنوان بازچیه دست‌آیند و آن، زیرا میان داورشانی بودن و بازچیه دست‌آیند و آن شدن اگرچه مرزی وجود دارد، ولی این مرز عبورناپذیر نیست. و امروز هر چند در تقیسان می‌کوشند در نزاع‌ها و زدوخوردها پیشان دستی در دامن "امام" نیز بسپارند، ولی این دست‌آویختن گه‌گاه به شکل انگولک کردن درمی‌آید. در مراسم عید غدیرا سال، وقتی خمینی به برخی نمایندگان مجلس شکر زد که دست‌آزادان کردن دولت میرحسین موسوی بردارند، غائله برسری‌کفایتی دولت یک چند خوابید، ولی دبیری نیاید تا معلوم شود نبرد قدرت در رژیم اسلامی واقعیتی بسیار مهم‌تر و باورپذیرتر از اندر زها و شتم‌های "امام" است.

دو هفته‌ای از سخنرانی معروف عید غدیر خمینی، حاوی این شهیدیکه‌دهن‌ها را خواهد و خست و قلم‌ها را خواهد شکست، نگذشته بود که شیخ علی اکبر رفسنجانی در مجلس شورای اسلامی گفت: "آقایان

گرداب جنگ قدرت



نیست که شیخ عبدالکریم موسوی اردبیلی رئیس دیوان عالی کشور در "سینار" سازمان قضائی نیروهای مسلح، در برده به مردم می‌گوید که گویا گرامخیمینی هم شکایتی دارد، بسم‌الله، از زبان خودش بشنویم که می‌گوید: در سال‌های اول جنگ یکی از اهالی خرمشهر علیه "امام" شکایت کرد. شکایت او این بود که وسایلش را جمع کرده بودند تا از خرمشهر بروند، ولی چون خمینی از مردم خواسته بود که در شهر بمانند، او ماند و چهار ماه هزار تومان خسارت شد. با ری، قاضی برای رهبران انقلاب اخطار فرستاد و نیز اخطار را برای رسیدگی به عبدالکریم موسوی اردبیلی داد. رئیس دیوان عالی کشور جمهوری اسلامی این داستان را بدان منظور نمی‌گوید که او نمود کند در جمهوری اسلامی همه در برابر قانون برابرند. بلکه می‌خواهد هاله تقدس و تجاوزناپذیری را که خود خمینی به بسیاری چالوسانی چون فخرالدین حجازی و موسوی خوشینی‌ها گرداگرد خود سوسپاش کرده است، ببرد.

جنگ قدرت در جمهوری اسلامی فاعده‌های خاص خود را بوجود آورده است. ممکن است موسوی اردبیلی برده تقدس خمینی را فقط تا آنجا بدر که فعلاً "به خود آیت‌الله گزند چندان نباشد، اما در عین حال مانع از آن شود که کسانی چون احمد خمینی یا صادق طباطبائی در پشت او بنشینند و خود را زکند مصون بدانند. به هر حال بای خمینی روز به روز بیشتر به جنگ قدرت درون رژیم کشا نه می‌شود. او دیگر نمی‌تواند کنایه گرداب این جنگ نظاره‌گری‌شد، از این پس باید خود نیز در این گرداب دست و پا بزند.

می‌کرد، اکنون روز به روز بیشتر به گرداب این اختلاف کشیده می‌شوند. رفسنجانی که می‌کوشید خود را زورنگ تراز خا منهای نشان دهد، آشکارا بدتراز او گرفتار "چرخ بی‌پیر" سیاست شده است که بر سر "اشخاص زیورک" نیز گه‌گاه به‌بلاها می‌آورد.

آیت‌الله منتظری، که بایده‌ها و انقلاب و جمهوری اسلامی را تضمین کند، اگر چه از دور تا زه، نبرد قدرت شکست نخورده بیرون آمد، ولی همچنان دادرگردهای دانش را می‌روید، گرچه توانست، طبق خبرها، خوب نشان را به قید ضامنست از زندان برهانند، ولی محمدی ریشتری از اساتید کاردهایش تا آنها را این بار تیزتر بر طبق رقیبان بمالد، دست‌بست برنماید.

مهمتر از این: نبرد قدرت دیگر نه تنها تا جماران کشیده می‌شود، بلکه در آستانه، افاق خلوت آیت‌الله خمینی هم ایست نمی‌کند. خالی از معنائی

مواظب باشند که بحث‌ها بر سر فرمایشات امام منجر به تفرقه جدیدی نشود. امام تومیه رفسنجانی به خرج کسی نرفت. پس آیت‌الله منتظری با در میان گذاشتن و به مناسبت آغاز سال تحصیلی حوزه علمیه قم، نصیحت کرد که: "نظر امام حفظ وحدت شما می‌اقتراست، نباید از زبان‌ها اینان سوء استفاده شود." منتظری افزود: "عضی‌ها فرمایشات ایشان را وسیله، اهانته‌ها فرادرو جانی قرار می‌دهند و اختلاف دیگری بوجود می‌آورند."

با این همه از منتظری نیز کاری بر نیامد، اختلاف‌های دیرین نه تنها بر جای ماند، بلکه بالاتر نیز گرفت، سهل است: اختلاف‌های تازه‌ای نیز بر آن افزوده شد. دیگر هیچ‌کس نیست که بتواند در کنایه گرداب اختلاف‌ها بنشیند و نظاره‌کنند و ببینند چگونه دیگران دارند در آن غرق می‌شوند. رفسنجانی و خا منهای که خمینی از آنان به عنوان "شاگردان نمونه" مکتب اسلام یاد

یکصدمین سالروز تولد

ملك الشعراء بهار، شاعر ملی

دیوان وی آمده، تمام شعرهای او نیست، بهای بعضی از شعرها پیش از خود نیستند و حذف کرده است. بعضی دیگر نیز به ملاحظه بنا و واقع و احوال سیاسی در دیوان او نیاید. اما است و میدویم آن گونه شعرها در خانه‌ها و ده‌ها یا نزد دوستان و معارفانش محفوظ مانده باشد. در آخرین سالها و در نیمه گذشته چند جلد دیوان بهار منتشر شده است. جمهوری اسلامی نیز طبق و نشر دیوان وی را اجازه نمی‌دهد.

از آثار بهار اول دیوان اشعار او است. دوم: سبک‌شناسی است در سه جلد، دربارها تحول تاریخی از بعد از اسلام تا عصر حاضر. سوم: جلد اول کتاب تاریخ احزاب سیاسی است که بعد از شهریور ماه ۱۳۲۰ خورشیدی توسط او تألیف شده است. چهارم و پنجم: داستان نیرنگ سیا و کتانی بنام "قیام ما مرزا". ششم: مقالات ادبی، اجتماعی و سیاسی. گفتارهای ادبی وی در دو جلد به نام "بهار" و "ادب فارسی" انتشار یافته است.

شیخ‌زوی کتب جنیدی را تصحیح و اصلاح کرده و جواشی بسیار بر آن نوشته است که عبارتند از:

- ۱- تاریخ سینان که با مقدمه و وسعاً ب‌رسیده است.
 - ۲- مجمل‌التواریخ و القصص از آثار قرن ششم هجری.
 - ۳- جوامع الحکایات عوفی که قسمتی از آن به حساب رسیده است.
 - ۴- ترجمه تاریخ طبری که پس از مرگ وی به اهتمام مرحوم سروین گنابادی انتشار یافت.
- بهار که زبان بهلوی را از "هرتسولد" آموخته بود کتابهای "یادگار زریران" و "درخت آسوریک" از بهلوی به فارسی ترجمه کرده است.
- آخرین اثری که از بهار انتشار یافته جلد دوم تاریخ مختصراً احزاب سیاسی است که به همت فرزندش دکتر مهرداد بهار گردآوری و ویراسته شده و پیش از یک سال از نشر آن

سلح جمهوری اسلامی سخن می‌گفت افزود: حتی اگر وقتی علیه رهبری دعوائی مطرح شود در همان محاکم، محاکمه می‌شوند و بی‌طرح شکایتی از سوی یکی از اهالی جنگ زده، خرمشهر علیه آیت‌الله خمینی اشاره کرد و گفت: در سال‌های اول جنگ یکی از اهالی خرمشهر علیه امام شکایت کرد و شکایت او این بود که ما وسایل زندگی مان را جمع کرده بودیم تا از شهر برویم ولی چون امام گفته بود مردم در شهر بمانند، ما ماندیم و چهار هزار تومان خسارت دیده است و خواستار جبران خسارت بود.

موسوی اردبیلی گفت: قاضی ماء مورسیدگی به این شکایت برای رهبران انقلاب اخطار فرستاد و نشان نیز اخطار را به من دادند. پس از رسیدگی مسئله رفع شد.

به گزارش خبرنگار ما اظهارات موسوی اردبیلی کسه روز ۲۸ آبان انتشار یافت، اکنون در میان محافل اجتماعی به عنوان جوک دست‌اول نقل می‌گردد.



تلفن خبری
نهضت مقاومت ملی ایران - لندن
شماره ۲۲۱۰۶۶۸

سلب مصونیت قضایی

آیت‌الله موسوی اردبیلی رئیس شورای عالی قضائی جمهوری اسلامی اعلام کرد نمایندگان مجلس و وزرا مصونیت قضائی ندارند و مانند سایر افراد محاکم عمومی محاکمه می‌شوند.

موسوی اردبیلی که در سمینار سازمان قضائی نیروهای

برای خروج

از انزوای بین‌المللی

هرالد تریبون روزنامه آمریکا می‌چاپ با ریش در مقابل‌های زیر عنوان "خمینی فرمان نزدیک به آمریکا را در سال گذشته صادر کرد" می‌نویسد: در اوایل مرداد ماه سال گذشته خمینی سفیران جمهوری اسلامی در کشورهای اروپایی غربی و آمریکا شمالی و جنوبی را بخاطر خواندن با آنان در "سپاه" که می‌باشد که جمهوری اسلامی برای خروج از انزوای بین‌المللی با یکدیگر در راه به گفتگو پرداخته‌اند. در این دیدار، وقت‌های رهبر جمهوری اسلامی گفت: اگر ایالات متحده که می‌خواهد با "شیطان بزرگ" خوانده بود میلی به تغییر روی سیاست خود نسبت به جمهوری اسلامی ایران نکند، تماس با آن مجاز است. حیرت عمیقی سفیران وی را فرا گرفت.

خمینی در این دیدار گفت: "اگر ما یک قدم به سوی آمریکا برداریم آمریکا صد هزار لیدریبیون در آنجا می‌گذارد و می‌نویسد: این پیام به واشنگتن می‌رسد. ما می‌توانیم از چند تماس مخفی کار به آنجا می‌کنیم که دولت ریگان بر آن می‌شود تا به رژیم تهران اسلحه بفروشد یا این گمان را می‌داند که بتواند جناح میان‌رو را حکومت جمهوری اسلامی را باطلی برقرار کند.

کارشناسان آمریکا می‌توانند که این فتح با بازوی جمهوری اسلامی بخشی از یک تلاش دیپلماتیک وسیع تر بسود که برای مازله با شرق و غرب، هر دو آغاز شده بود. این تلاش مورد موفقیت خمینی قرار گرفته بود که سوخت تریبون تندروهای ایران است. وریبی بد جناح معتدل نداشت. اولین هدف این تلاش کاستن از کمک‌های سیاسی - مالی و نظامی بود که توسط کشورهای سوا شرق عراق به این کشور می‌شد مهم‌ترین این کشورها فرانسه، آمریکا، اندونزی، عربستان سعودی و دیگر کشورهای عرب خلیج فارس بودند.

نویسنده دیگر جمهوری اسلامی در وقت اسلحه و مهمات اضافی برای دست زدن به "حمله نهایی" علیه عراق بود که مقامات رژیم تهران مدعی بودند بزودی و در پایان سال رخ خواهد داد.

هرالد تریبون می‌نویسد: رونالد ریگان و مشاورانش می‌کوشند تا تماس‌های خود با جمهوری اسلامی و اسلحه به تهران را چنین توجیه کنند که می‌خواسته‌اند به این وسیله میسران جناح میان‌رو و تندروان رژیم که سخت درگیر سبزه بر سر تعیین جانشین برای آیت‌الله ۸۶ ساله بودند اختلاف ببندند.

یک مقام دولتی آمریکا اخیراً اظهار داشت که جناح "مخالفکار" رژیم تهران می‌خواهد به جنگ ایران و عراق بیاورد و بخشد و با آمریکا روابط خوبی برقرار کند.

بدگفته همین مقام، جناح تندرو موافق ادا به جنگ و صدور انقلاب اسلامی و شرکت در عملیات تروریستی و مخالفت برقراری روابط نزدیک ایالات متحده است. این‌گونه اساساً "آیا گرایش" میان‌رو می‌تواند دولت ایران وجود داشته باشد، موضوع بحث و جدل‌های فراوانی در دولت آمریکا برای باز کردن راه و انتظاکن به تهران بوده است. رابرت مک‌فارلین، فرستاده مخفی دولت ریگان به تهران، در محاسبه با تلویزیون آمریکا می‌گفت: "اصل قضیه" این است که اگر در دولت جمهوری اسلامی جناح میان‌رو وجود نداشته باشد، ارسال اسلحه‌ها را درستی بوده است و اگر چنین جناح وجود نداشته باشد، ارسال اسلحه‌ها درستی است. مک‌فارلین عقیده داشت که در خرداد ماه گذشته در تهران با عده‌ای از دولتمردان جمهوری اسلامی که گرایش‌های اعتدالی داشته‌اند صحبت کرده است.

موشه ارئیس، وزیر مشاور در کابینه اسرائیلی، در همین شبکه تلویزیونی آمریکا می‌اظهار داشت که اسرائیلی‌ها هم‌اکنون با آمریکا در سال ۱۹۸۲ به تائید ارسال اسلحه به جمهوری اسلامی جناح میان‌رو در حکومت جمهوری اسلامی دست زده بود، اما هیچ نشانه‌ای از وجود این گرایش بدست نیامده بود. کارشناسان آمریکا می‌گویند که

مرحله نوین اقتصاد اسلامی

حیرت و امید و فرضیه‌ای جدید ابداع می‌کند. و در دیدار با کسانیکان رادیو جمهوری اسلامی ایران می‌گوید: "آن‌ها که دم از اقتصاد می‌زنند، نمی‌دانند که انسان چیست، خیال می‌کنند که انسان هم یک حیوان است... الاغ هم همه چیزش اقتصاد است چون حیوان است که همه چیزش فدا می‌شود..."

هدف اصلی از اجرای این دستورالعمل بخاطر آنستکه در این اواخر مسئولین امور اعمار و شخصیت‌های ریز و درشت دولتی و باغیر دولتی با نثر نظریات و انعکاس تمام‌یلاتشان در مطبوعات و با صدور بیانات و تشکیل سمینارها آنقدر به ضد و نقیصی گویی و حملات به یکدیگر پرداخته و گفته‌های یکدیگر را بی‌اعتبار ساخته‌اند که رژیم سخت‌آزان به وحشت افتاده است.

هنوز از اظهار نظر خمینی با رئیس جمهور رژیم چندصاحب نمی‌گذرد که رئیس مجلس شورای اسلامی با نخست‌وزیر و دادستان اسلامی و فقیه عالی‌قدر مطلبی خلاف آن را بر زبان جاری می‌آورد و وی را به بی‌پایانی هر یک گفته‌های دیگری را به صورت بی‌پایانی و یا آشکارا رسماً ستیزه‌ها و حمله می‌گیرند. در این میان نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اما مان جمعه و دیگر دست‌اندرکاران جای خود دارند. جالب اینجاست که گفته‌های این و نه‌پای‌سخ آن دیگری هیچ یک از کمترین استدلالی برخوردار نیست و تنها بنا به تکرار هر چه و مرجع و انبوه مشکلات است که در مملکت در جهات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی وجود دارد و مسئولین را مجبور به هدیان گویی کرده است.

از آنجایی که مسائل اقتصادی، پیچیده‌ترین مسأله‌های کشور است که رژیم را کلافه کرده است، لذا هدیان گویی‌ها در این زمینه که "دیلاً" به نمونه‌های از آن اشاره می‌شود. بیشتر از همه مطلب نظری می‌کند. و به همین خاطر است که رژیم نظری مدور بخشنا، مدور و نظری‌ها را سوراخین قبیل مطالب است. نگاشت‌ها در حالی که خمینی در جمع شرکت کنندگان در سمینار سه روزه شورای انقلاب فرهنگی (پهمن ماه ۱۳۶۴) رسماً اظهار می‌کند: "ما آدم‌های ناقص هستیم با بدبختی و کمبود تحصیل کنیم، ما اعتراف می‌کنیم که ناقصیم... اما ناگهان در باره علوم و مسائل اقتصادی در میان و دیبستان‌های دیگر چنان اظهار فضل می‌کنند که دانشمندان متفکران این رشته را به

حیرت و امید و فرضیه‌ای جدید ابداع می‌کند. و در دیدار با کسانیکان رادیو جمهوری اسلامی ایران می‌گوید: "آن‌ها که دم از اقتصاد می‌زنند، نمی‌دانند که انسان چیست، خیال می‌کنند که انسان هم یک حیوان است... الاغ هم همه چیزش اقتصاد است چون حیوان است که همه چیزش فدا می‌شود..."

موضوع وقتی جالب و هیجان انگیز می‌شود که هنوز چندصاحبی از این فرضیه که در خور انقلاب اسلامی است سبوری نگردیده که آقای عیسی ولائی نماینده آمل در ۲۵ تیرماه ۱۳۶۵ بدون اینکه به بنیاد و گفته‌های امام در بریها بنکس هنوز ناقص هستند و با بدبختی و ناقصی هستند، مجدوب فرضیه جدید ایشان شده در مجلس شورای اسلامی اظهار می‌دارند:

"چرا نباید گروهی از علما و بزرگان و متخصص علوم روز و آشنا به مسائل اقتصادی بنشینند و یک راه عملی در مسائل اقتصادی و اجتماعی و اجتماعی ارائه دهند... رهبر ما عازانه تقاضا داریم و معتقدیم که این گروه نیز بدست با کفایت شما اکتفا کرده می‌شود دستور فرمائید ما حجت‌نظرانی از قشرهای گوناگون جلسه‌ای را تشکیل بدهند و شما نیز شما "و به وسیله فقیه عالی‌قدر دقیقاً" بحث‌های آن را زیر نظر داشته و در مواقع لازم نظرها طع خود را به عنوان ولی فقیه ایران از فرماتید تا این معضله عظیم حل گردد..."

در صورتی که اگر آقای ولائی کمی در نظریات رهبرشان تا به به خرج می‌دادند در می‌یافتند که ایشان مسائل اقتصادی را در جمع حیوانات دانسته‌اند و فرموده‌اند "الاغ هم همه چیزش اقتصاد است..."

دورانی که از امام و فقیه گرفته‌ها رئیس جمهور، نخست‌وزیر و دیگر رؤسای سازمان مرکزی در هر مجلس و خطا بهای برای نجات اقتصاد دهم ریخته کشور فرضیه‌ها و نظریات عصر حجر را مطرح ساخته و در همه آن‌ها مردم را به تحمل مسکنات، تنگدستی و بقول خود استضعاف تشویق می‌کنند و ملت محروم را که حتی آبی برای آبیسان باقی نمانده که با ناله سودا کنندگان زهم به فقری مذلت‌بار ترغیب می‌نمایند، آقای محمد محمدی نماینده سلسله و دلفان نما پنده مجلس شورای اسلامی در ۱۲ دیماه ۱۳۶۴ ضمن ایراد سخنرانی پیش از دستور می‌گوید: "حضرت آیت‌الله العظمی کلبا بیگانی وقتی یکی از

حکومت آمریکا با تصویب و طاع سیاسی ایران به عنوان میدان جنگ جناح‌های محافظه‌کار، تندرو و میان‌ساده و درک سیاست داخلی بی‌سروا مان و هوسرچ و مرج با جمهوری اسلامی را هر چه دشوارتر ساخته است.

کاری سبک کارشناسان برجسته دولت کارتر در امور ایران می‌گوید: "شک نیست که در دولت جمهوری اسلامی نبرد قدرت میان جناح‌ها وجود دارد. اما اطلاق "تندرو" و "میان‌رو" به این جناح‌ها درست نیست.

هرالد تریبون می‌افزاید: یکی دیگر از کارشناسان مسائل ایران در حکومت ریگان با تصدیق این گفته می‌افزاید: "نمی‌توان گفت در ایران گروه‌های "اعتدال پذیر" یا "اعتدال فنانا پذیر" وجود دارند. یا پیدا و فاع ایران را مورد به مورد بررسی کرد. و گروه از برچسب زدن سودی عاید نمی‌شود.

بعضی از افراد دولت ریگان رفتن‌های را به گونه رهبر جناح "میان‌رو" و مخالف آیت‌الله حسین عیسی منتظری رهبر جناح "تندرو" می‌شناسند. اما تحلیل گران آمریکا می‌توانند که رفتن‌های در بسیاری از موارد کلبی یا خادرمی‌شود مسائل داخلی، یکی از "میان‌ساده روی" بدو است. مثلاً "در مورد مسئله جنگ ایران و عراق وی متعلق به جناح "میان‌رو" است. نه "کیوترا".

از سوی دیگر آیت‌الله منتظری رهبری روحانیت مدافع "خصوصی کردن اقتصاد" را بر عهده داشته است. اما به دلیل آنکه سرپرستی دفتر صدور انقلاب اسلامی بر عهده وی بوده است، به عنوان تندرو شهرت یافته است.

تحلیل گران می‌گویند تا آنجا که زقراش

مسئولین مملکتی خدمتتان مشرف میشوند می فرمایند، سعی کنید همه مردم را غنی کنید همه را از فقر فقرو مساوی نگهدارید..."

ولی این کدام مسئول مملکتی است که کوشش به این حرف‌ها آشنا با شد و با جرئت تکرار این جملات منطقی و انسانی را داشته باشد.

وقتی که آقای حسین کمالی رئیس کمیسیون کار و امور اجتماعی مجلس شورای اسلامی به مناسبت روز کارگر صراحتاً در مجلس اعلام می‌کند: "کلاً سیستم اقتصادی ما یک سیستم اقتصادی غیر اصولی است و ما اقتصاد بی‌بیمار را در کشور نگه‌داریم می‌کنیم... حالتی که در کشور ما در این زمینه وجود دارد رابطه‌ای است بسیار غلط، این برای یک کشور انقلابی اصولاً قابل پذیرش نیست... بلافاصله آقای میرحسین موسوی نخست‌وزیر جمهوری اسلامی در گردهم‌آیی اشمه جمعه سران کشور (۲۸ خرداد ماه ۱۳۶۵) می‌گوید: "با توجهات الهی، ما امروز برنا به‌های اقتصادی را طوری تنظیم کرده‌ایم که تحت هر شرایطی قادر به اداره امور کشور هستیم، از روزی که وارد مرحله نوین اقتصاد شده‌ایم به وضوح شاهد روزی است که از سوی نیروهای مؤمن بوده‌ایم... که البته منظور آقای نخست‌وزیر از اداره کردن کشور تحت هر شرایطی و سیاست‌ها را به مرحله نوین اقتصادی با ابتکار است و این با توجهات الهی، همان سیستم نوظهور و ورشکسته اقتصاد است که آقای حسین کمالی بدرستی به آن اشاره کرده‌اند.

و بلاخره در این آشفته با زار از همه جالب تر گفته‌های آقای رفسنجانی است که در خطبه نماز روز جمعه ۳ آبان ماه سال گذشته حرف آخر را می‌زند و پس از مقدمه چینی‌های بسیار می‌گوید: بنساجر این ما از نظر اقتصاد در حاداً عاجز و زخم‌مان خوب است و برنا به‌های بیست ساله و پنجساله داریم و امیدواریم که به بتوانیم اقتصاد ما را به دنیا معرفی کنیم!

نظیر این ضد و نقیص گویی‌ها و رطب و یا بس با فتن‌ها که از گفته‌های بالاترین تا پائین ترین مسئولین رژیم شنیده می‌شود آنقدر متنوع و فراوان است که اگر بخواهیم آن‌ها را جمع و چوگر کنیم و در کنار هم بگذاریم "چوک نام" برپای می‌شود و خوادند که چگونه افلاس و ادبایی را که جمهوری به آن دچار شده و در نتیجه زعمای قوم را به سرکجه و هدیان کوبی و ادا داشته است بخوبی نشان می‌دهد. چه میشود کرد از رژیم جمهوری اسلامی آیا غیر از این دست ترغیب‌ها و نعل و آرونده زدن‌ها چیز دیگری می‌تواند انتظار داشت؟

یک زمان مشخص چه کسی بر سر چه مسئله‌ای چه موضعی دارد کاری سخت دشوار است.

هرالد تریبون - ۱۸ نوامبر ۸۶

در اکتبر ۱۹۸۸ که در کره جنوبی برگزار خواهد شد مصاف کویت برود. اما به علت مخالفت دولت کویت با برگزاری این مسابقات اسلامی همزمان خواهد شد. این بازیها در کویت انجام نمی‌شود. روزنامه "الرای العام" که به محافل دولتی در کویت نزدیک است در این باره نوشته است: مقام‌های ورزشی این کشور قادر به برگزاری این مسابقات نیستند و علت اصلی آن ترس از خرابکاری ما موران جمهوری اسلامی در این کشور است.

الرای العام می‌افزاید: دولت کویت برای برگزاری این مسابقات به دولت اما رات متحده عربی متوسل شده است، اما این کشور نیز نتواند مسابقه میان تیم کویت و ایران را در خاک خود نپذیرفته است.

مسئولان کویتی به این منظور با مسئولان "قطر" نیز در حال مذاکره هستند.

استعفای ورزشکاران

در ارتباط با استعفای عده‌ای از بازیکنان تیم ملی فوتبال، گزارش دیگری حاکی است بازیکنان تیم ملی علت استعفای خود را رفتارناهنجار مسئولان جمهوری اسلامی در بازی‌های سئول ذکر کرده‌اند. در محافل ورزشی گفته می‌شود تواسلی کاردا رژیم در کره جنوبی تعدادی از حزب الهی‌ها را از زکون‌های نزدیک به کره ماندا ندوزی و مالزی بی‌سسراری مراقبت از فوتبالیست‌های ایرانی به سئول آورده بود. کناره‌گیری بازیکنان تیم ملی اکنون به مسئله‌ای برای فدراسیون فوتبال مبدل شده است. به خصوص آنکه قرار است تیم ملی فوتبال در مسابقات مقدماتی فوتبال جهت شرکت

مقدمه

برای جلب توجه به این نکته که محکومیت دکتر مصدق و همکارانش و مجازاتی که به آن محکوم گردیدند پیش از محاکمه آن‌ها تعیین شده و جریان دادرسی عسارت از برگزاری تشریفات بود برای آنکه تصمیمی که قبلاً گرفته شده بود تنفیذ گردد. این سخن را با نقل عبارات زیر از کتاب روزولت (۱) شروع می‌کنیم:

مرحله بازپرسی و صدور کیفرخواست

بازپرسی از دکتر مصدق طی سنج جلسه به مدت ۱۲ روز (از ۲۶ شهریور تا ۷ مهر ۱۳۳۲) در سلطنت آبا دبه وسیله نامبردگان زیر انجام شد: سرتیب حسین آرموده، دادستان ارتش، سرهنگ دوم اللهبای دادستان، سرهنگ کیهان خدیوایری، سرهنگ فضل اللهبی کمک بازپرس، بازپرسی جمعا ۱۹ ساعت و ۲۵ دقیقه طول کشید و دکتر مصدق به ۴۵ سؤال جواب گفت.

در پایان مرحله بازپرسی دادستان در تاریخ ۹ مهر ماه کیفرخواستی در ۱۷ بند علیه دکتر مصدق تنظیم نمود و ضمن تحریک آزموه آن را مطابق عنوان کرده که در آنجا دلیل مجرمیت دکتر مصدق بر طبق اتهام اصلی یعنی "برهم زدن اساس حکومت و ترتیب وراثت تخت و تاج" تحریک مردم به مسلح شدن برضد قدرت سلطنت بوده است همکاران دادستان در این مورد گفتند که "با زبیری با زبیری قرار با زداشتت موقت دکتر مصدق را به همین عنوان ما در کردودا دادستان قرار را تا کشید نمود، دکتر مصدق با عیارت زیره قرار مزبور اعتراف کرد: "اتهامات فوق را که مطلقا عاری از حقیقت و بی‌خلاف است فایده نوبیا" تکذیب می‌کنم. روز اول مهر ماه دادگاه هنگامی ما مورسیدگی به اتهامات دکتر مصدق قرار با زداشتت او را به تغساق آره تا شد کرد.

نواد روحانی



مصداق ونهضت ملی ایران در گشاکش چپ و راست

محاکمه دکتر مصدق در دادگاه نظامی

معنی توارگرفتن خود در مقام سلطنت یا ریاست جمهور بود. وی علی رغم سکوت شاه در مقابل تفضای صدور فرمان انحلال مجلس اقدام به صدور اعلامیه انحلال دوره، هفدهم مجلس شورای ملی نمود که تنها این عمل دلیل کافی بر مجرمیت او در برابر دادستان حکومت مشروطه بوده است. دادستان چنین نتیجه گرفت که بر طبق ماده ۳۱۷ موداستناد مجازات اعمال مشروحه اعدام است.

وکیل مدافع دکتر مصدق

به دنبال صدور کیفرخواست و با فرا رسیدن مرحله دادرسی، موضوع تعیین وکیل مدافع از طرف متهم پیش آمد. چون بر طبق قانون دادرسی و کیفر ارتش متهم می باید وکیل از زمین نظامیان تعیین کند. دکتر مصدق سپهبد نقدی را به سمت وکیل خود تعیین کرد. ولی نامبرده به این عنوان که از روز و کالت آگاه نیست از قبول این سمت عذرخواست. "سنگ ماهه" ۱۸۲ قانون مزبور در صورت ناتوانی با امتناع متهم از معرفی وکیل رئیس دادگاه مکلف است وکیل مدافعی از زمین افسران یا همردیفان آن‌ها انتخاب کند. دکتر مصدق درخواست کرده بود که چنانچه سپهبد نقدی و کالت او را نپذیرد دادگاه را با "افسری را بعنوان وکیل تسخیری تعیین نماید. دادگاه به سپهبد نقدی مراجعه نمود و در جواب سرهنگ جلیل بزرگمهر را با ذکر اینکه افسری است تعلیم یافته، دانشمند حقوقی و آشنا به قوانین و دارای حسنات اخلاقی معرفی کرد. روز ۱۹ مهر ماه رئیس دادگاه عادی ویژه سرانشکرافخمی طی نامه ای خطاب به سرهنگ بزرگمهر انتصاب او را به

و کالت تسخیری دکتر مصدق اعلام نمود. سرهنگ بزرگمهر در دادگاه حاضر شد و پیش نویسن نامه را خواست و زیر آن نوشت: "ضمن اعلام قبولی و کالت برای مطالعه بیرونه حضور خواهم یافت." سرهنگ بزرگمهر در مقدمه کتاب: "مصداق در محکمه نظامی" درباره قبول و کالت دکتر مصدق می نویسد: "و کالت دکتر مصدق در دادگاه نظامی به جان خریدم... روزی و کالت آقای دکتر مصدق را قبول کردم که علی الظاهر همه بدگویی و عیب جوئی از مصدق می کردند... تکلیف دوره و کالت را روشن کردم یعنی با بدریجه عقاید خود را در مورد گفته ها کرده ام و نتایج آن ببینم و یک تنه خود را مؤمن به عقاید و بدنام شما دخل و تصرفی در کار و کالتی غیر از راه او نداشته باشم."

روزه شنبه ۲۱ مهر ماه سرهنگ بزرگمهر به ملاقات دکتر مصدق در محل زندان او در وسط باغ سلطنت آبا در رفت. ورود سرهنگ بزرگمهر در محرابی محاکمه دکتر مصدق به سمت وکیل تسخیری در دادگاه هدوی وکیل انتخابی در دادگاه تجدیدنظر با مبادله این عبارات شروع شد: دکتر مصدق: "خوب، آقا چه فرمایند؟" سرهنگ بزرگمهر (با لحنی طنزآمیز): "بنده وکیل تسخیری چنان عالی شده ام... سپس دکتر سؤال کرد چقدر وقت داریم که لواجه مان را تهیه کنیم. و سرهنگ بزرگمهر جواب داد: "از روز ۲۰ مهر تا ۱۰ روز بعد طبق قانون وقت داریم و روزی ام مهر با آماده باشیم. جریان گفتگو بین متهم و وکیل و کار تهیه لواجه روز ۲۲ مهر شروع شد. شرح چگونگی انجام این کار به تفصیل در باگریزهای آموزنده به بیان حالات روحی طرفین در مقدمه کتاب: "مصداق در محکمه نظامی" (صفحات سی و هشت تا پنجاه) گفته شده است. فرصت آماده شدن رای محاکمه پیش از آن بود که پیش بینی می شد، چسبون محاکمه تا روز ۱۷ آبان شروع شود.

اعضای دادگاه

ترکیب دادگاه نظامی عادی ویژه ماه مورسیدگی به اتهامات دکتر مصدق هنگام تابد قرار با زداشتت مصدق (اول مهر ماه ۱۳۳۲) با ترکیب آن هنگام تشکیل اولین جلسه دادرسی (۱۷ آبان) تفاوت داشت. یعنی رئیس و دونفر از کارمندان دادگاه به شرح زیر تعیین

کردند:

Table with 3 columns: Position, Name, and other details. Includes 'رئیس' (Chief), 'کامرند' (Commander), 'اول مهر' (First of Mordad), and '۱۷ آبان' (17 Aban).

کتاب محاکمه دکتر مصدق علت تفسیرات مزبور را این گونه بیان می کند که سرانشکرافخمی مدعی دخالت در کودتای ۲۸ مرداد و سوار شدن در تانک حمله به خانه دکتر مصدق بود و در مورد دوافسری که عوض شدند به احتمال قوی آن‌ها از روی بی میلی به عضویت دادگاه گشاکش شده بودند و به این علت تغییر آن‌ها لازم دانسته شد.

سرتیب حسین آرموده با سمت دادستان در همه جلسات دادرسی حضور داشت. هنگام طرح موضوع صلاحیت دادگاه در اولین جلسه دادرسی دکتر مصدق به صلاحیت سرتیب آرموده در سمت دادستان اعتراض کرد و نامی را که او در تاریخ ۲ مرداد ۱۳۳۲ به دکتر مصدق نوشته و تقاضای معافیت از وظیفه دادستانی و قاضی شیراز (حمله به اداره اصل چهار آمریکا) نمود بود به شرح زیر

قراشت کرد: "مرا از این کار معاف کنید من فاقد هرگونه تحصیلات و سوابق قضائی هستم و یکی از معایب و مفاسد اصلی سازمان قضائی ارتش آنست که افسران بی اطلاع در امور قضائی را در کارهای قضائی می گذارند. دادگاه این ایراد را وارد ندانست. همچنین ایراد دیگری را که دکتر مصدق به شرح زیر طرح نموده بود رد کرد. وی اظهار کرد که سرهنگ آرموده در زمان تصدی وزارت دفاع من عهده داری است اداره میبندسی ارتش و بنا بر این مرئوس من بود و نمی توان دستتسی در این دادگاه داشته باشد. دادگاه در جواب این ایراد گفت در موقعی که سمتی زایل می شود دیگر عنوان ریاست مستغنی است و کیفرخواست دادستان محدود به زمان تصدی است که متهم هیچ عنوانی نداشته است. دکتر مصدق ایراد دیگری نیز نسبت به صلاحیت سرتیب آرموده ضمن جریان بحث ماهوی عنوان کرد که شرح آن بعد خواهد آمد.

بحث درباره صلاحیت دادگاه

بحث در موضوع صلاحیت یک هفته (از ۱۷ تا ۲۴ آبان) طی هفت جلسه به طول انجامید. با آنکه رئیس دادگاه بی در پی تذکری داد که فقط موضوع صلاحیت مطرح است، ولی دکتر مصدق تصمیم داشت در این تصمیم کمال با فشاری بخرج داد که ضمن اعتراض به صلاحیت دادگاه توضیحات مشروحه نیز که مربوط به صلاحیت نبود بلکه جنبه دفاع در برابر برهمنی را داشت در جواب با هائی گفته به ستیالات رئیس دادگاه می داد و بنجاند. در هر جلسه رئیس دادگاه و دادستان تذکری دادند که اظهارات دکتر مصدق از موضوع صلاحیت خارج است. ولی دکتر مصدق اصرار می کرد شرحی که ۲۶ صفحه تهیه کرده بسود خواوند شود و هر بار که سخن می گفت دادگاه موضوع را به ذکر مطالب مربوط به بحث ماهوی می کشاند از قبیل تردید در امانت فرمان، بحث در اینکه شاه مطابق قانون اساسی دارای حق عزل نخست وزیر نیست، استدلال در باره بقای خود در سمت نخست وزیر، توضیح مواد لایحه اختیارات قانون گذاری خود، اشاره به روابط خود با دربار، تفصیل وقایع ۲۵ تا ۲۸ مرداد، شرح و بسط وقایع و وقایع دوره گذشته، توجه نظر خود در ایراد دولت انگلیس در امور ایران به وسیله دولت و مجلس.

دکتر مصدق در جریان بازپرسی همواره تاد کید می کرد که خودخواه باید از خود دفاع کند. در جلسه دوم با اشاره به سرهنگ بزرگمهر گفت: او وکیل من نیست و هر حرفی بزند مورد قبول من نیست. در جلسه سوم گفت وکیل تصدی اصلا اطلاع ندارد و حتی به بزرگمهر پر خاش کرد و گفت: "بدر سوخته باشی اگر حرف بزنی، من خودم با بد حرف بزنم." سرهنگ بزرگمهر در برابر بر نشد دکتر مصدق ممانعت از خود نشان داد چون به طوری که بعد در جوابی کتاب محاکمه، مصدق نوشته است به او حق می داد که به کسی اعتماد نکند و می نویسد: "حقا با بد بگویم که دکتر مصدق در آغاز من اعتماد داشت. حق هم داشت زیرا منسوبین خودش به او خیانت کردند... بعد ها اعتماد کرد.

دکتر مصدق خود را دادگاه را هم از حملات لفظی و کنایات بی بهره نمی گذاشت. در جلسه اول دادرسی گفت: "همه عوام مل در این مملکت برای انجام مقاصد بیگانه گمان آمده است و رئیس دادگاه به این اظهارات و شریک "اعتراض کرد. طی جلسه سوم دکتر مصدق ضمن شکایت از اینکه دادگاه به او اجازه دفاع از خود نمی دهد گفت: "مرجعاً به این دادگاه، خدا پدرش را بیا مرزد. با ایدافا که کرد که دادستان کرارا، از موضوع بحث خارج می شد و به نام سازگویی نسبت به دکتر مصدق می پرداخت. بارها گفت او دروغگوست، با غی است، مفتی است، صحنه ساز است، به کمک گریه و خنده مصنوعی است، مسلمسان نیست و قس علیهذا.

در مجموع بیانات دکتر مصدق آنجه صلاحیت دادگاه را نفی می کرد نکات زیر بود:

- ۱ - شاه حق عزل او را نداشته است چون اصل ۴۶ متمم قانون اساسی صرفاً یک امر تشریفاتی است.
۲ - او خود را همچنان نخست وزیر می دانست و می گفت در هر حال اعمالی که به او نسبت داده شده همه در دوره بقیه در صفحه ۱۱

کزارش ملی ایران

از هسته خبری نهضت مقاومت ملی ایران در تهران

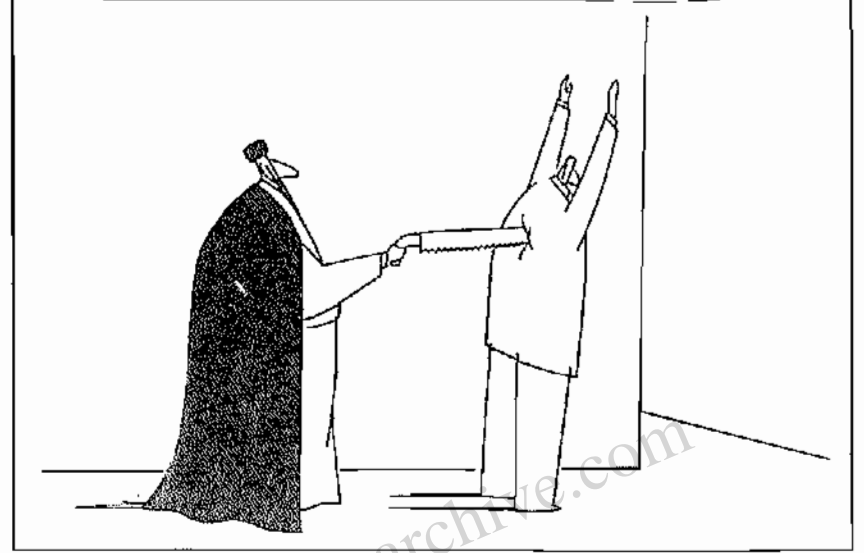
تسویه حساب گانگسترها

روز چهارشنبه ۲۷ آبان ماه از باستان سادات شویان تهران - قم تبدیل به یک حاد حفاظت نشده جنگی شد تا رژیم پشوا ندسند مهدی هاشمی، هادی هاشمی و دهها نفر دیگر زکا رمندان و نزدیکان منتظری را به تهران منتقل کند. گمانی که از این جاده عبوری کرده اند با گفتند در این جاده در دو نقطه آغا زوانتهادو بست با زری وجود دارد ولی در آن روز در سینه از هشت نقطه بست با زری برقرار کرده بودند. در زیر بیل حسن آبا دوجا شبه جاده، دهها دستگاه اتوموبیل گشت در حالی که روی طاقشان تیرباران شده بود جاده را زیر نظر داشتند.

هر روز که از ما جرای دستگیری داد مساد و رئیس دفتر منتظری می گذرد اطلاعات و با راهی شایعات تا زه در محام و محافل تهران بگوش می رسد. این ماجرا در کادر حکومتی، نهادهای انقلابی، مجلس، سپاه و سایر محافل آخوندی و وابسته به حکومت انعکاس گسترده تری می یابد و رژیم دروا حدهای زری سپاه و بسیج است و به اعتقاد ما بخشی از عقب نشینی فوق العاده سریع با ندرت سنجایی و خا منهای نگارنی آزارات جنگ قدرت در درو حیه با ساداران و سرپازان است. تعدد نظریات و تفسیرها را در تحلیل ها درباره حکومتی ما جرم مردم را در مقابله با حاکمان محبوت کرده است. ما در اینجا با خا رو گفته ها می که بخصوص در محافل بالای حکومتی و نهادهای در این زمینه شایع است فهرست و آرا ما را می کنیم. گفته می شود با ندرت منتظری - هاشمی ها، نقد نگ کودتا دا خشنود علت تصمیم گیری آن ها برای انجام کودتا و ترور دستگیر جمعی از ازانجا ناشی می شود که حال خمینی این نظریه ها را رو به خا من می گذارد. منتظری و پاراننش خوب می دانند که در صورت فوت خمینی، رفسنجا نسبی و همرا هانش مطلقا به آنها مجال خود نمائی نخواهند داد. بر این اساس تصمیم می گیرند در لحظه مناسب طبق لستی که تهیه دیده اند به وسیله افراد مسلح گروه های تروریستی نهضت هاشمی آزا دیم بخش ۴۰۰ نفر آزا فراد موه ترا ترور کرده و حکومت را قبضه نمایند. طاهرا ما جرای از طریق خود منتظری به نوعی در برده های آیت الله مشکینی بدزن و زیر اطلاعات در میان گذاشته می شود و تخفیف لومی رود و حکومت نیز پیشدستی کرده طراحان کودتای آخوندی را به دام می اندازد.

و من انتقاد دندم از سخت گیری ها و فشار تندروها برای بیاد کردن احکام اسلامی گفت: در هر حال افراد مختلفی وجود دارد، عده ای انقلابی و حزب الهی هستند و بعضی بی تفاوت و بی باکند. یکی بی حجاب است با حجاب، توقع نداشته باشد همه افراد مثل هم باشند. در زمان حکومت ساس بر طبقا مختلف بر احادی و آسایش فکر زندگی می کردند. روز شنبه هشت شهریور خمینی به مناسبت هفته

ضعیف می کند. آقایان توجه کنند که همیشه نصیحت و ملامت نیست، اگر صلح اسلام اقتضا کند و انسان به بیند کذا زری ادراک می خواهد تسلطه بزنند و ساسا بی هم ممکن است شده باشند آن وقت وضع دیگری پیش می آید. در آن روزها مردم تصویری کردند که هدف خمینی گروه رسالت و بعضی از قلم بدستان است. اما امروز گروهی برای این عقیده اند که آن محاصره ها اعلان جنگ خمینی و منتظری بوده است و علی رغم جابلوسی های اخیر که از طرف رفسنجا نشی و خا منهای، از ترس آسیب پذیری رژیم بخصوص در جبهه ها نسبت به منتظری می نود واقعه حکایت از زبردست برده و بیازی های بدجیده قدرت می کند. در بعضی محافل نزدیک به حکومت می گویند منتظری پس از شوقیفات ما در ورثین دفتر و دهها نفر از نزدیکانش در ملاقات با خمینی یک اعتراض نامه هشت صفحه ای تسلیم خمینی می کنند که در آن جزئیات حوادث و تارخا بینی های



دوست نویسندگان و روزنامه نویسان منتقدان که با هم نمودهای منتظری به چاپ و نشر مقالات انتقادی پرداخته بودند. تندیلا مورد سرزنس قرار داد و گفت که این افراد اگر نخواهند این گونه اعمال ادا مدهند ساسا نشی و مجازات می شوند، بعضی قلمها و زبانها نظام را

عمومی و فشا رهایی که بر شهروندان وارد می شود و نفرت عمومی از آخوندیسم را منکس کرده و تلویحا استعفا می خورند. تقدیم می دارد اما خمینی که به شهری در جریان برنامهای توطئه آمیز با ندرت منتظری قرار گرفته اند، منتظری را بگوشه ای

کزارش های ایران

عقب نشینی حجاب اسلامی

روز سه شنبه ۲۹ مهر ماه آقای اکرمی وزیر آموزش و سرورنش در یک جلسه بسیار خصوصی خطاب به مدیران مدارس دخترانه تهران مطالبی در زمینه حجاب اب ابراد کرد که بخشی بعضی روی سالی بخش هاشمی مدیران دوا تش حزب الهی را برانگیخت. او که تا نیمه اول مهر ماه به وسیله عوا ملش به دانش آموزان فنارمی آورد که "حجاب کامل اسلامی" را رعایت کنند، در

در حقیقت این عقب نشینی فردی و خصوصی نیست، جمهوری اسلامی که شدیداً در تنگنا قرار گرفته و اوسعت دا منه خشم مردم آگاه است و می دانند که اگر در نقطه ای اعتراضی شکل گرفت سرعت دامنه میگیرد در هر زمینه از جمله در مسائل حجاب بگوشه آمده است. گروه های گشت زینت و برده معروف که در هر شهر با ندرت منتظری را از زیر فشار رفسنجا می دادند که چرا آرا پش دارند یا چند تا می بیند بیرون آنتاده به طرور چشمگیری از صحنه خارج شده اند. در گذشته که در ساعات مختلف و طی سه روز در خیابان های اصلی انجام دادیم این مسئله کاملاً مشخص بود. دختران و زنان گناه متوجه رفع مزاحمت شده اند و زحودیکما به پیش بدون وا همه آرا پش می کنند و اغلب روسری خود را بخی شانتی مترا زری پیشانی عقب می کنند. بعضی زن ها شعا غا نه تر به شکستن مقررات حجاب تمایل نشان می دهند، آرا پش تند می کنند، روسری را با زیر کلوگره نمی زنند یا تا نوک سر عقب می کنند و روپوش اسلامی خود را که قا عدتا با بداز رنگ های تیره انتخاب کنند به رنگ های آوان تغییر می دهند. عقب نشینی ها کمیت که البته بسیار خلاف میل بنیادگرایان دوا تشه است هم نظور که گفته شد از یک سو به علت وضو طافت فرسای اقتصاد و اشارات کمر شکن جنگ است و از سوی دیگر شکل گیری مقاومت هاشمی خودجوش مردم. به طوری که کسب اطلاع کرده ایم در سال تحصیلی جدید میزان مقاومت ها و دهن کجی دانش آموزان به مقررات سخت اسلامی و

روز چهارشنبه ۲۷ آبان ماه از باستان سادات شویان تهران - قم تبدیل به یک حاد حفاظت نشده جنگی شد تا رژیم پشوا ندسند مهدی هاشمی، هادی هاشمی و دهها نفر دیگر زکا رمندان و نزدیکان منتظری را به تهران منتقل کند. گمانی که از این جاده عبوری کرده اند با گفتند در این جاده در دو نقطه آغا زوانتهادو بست با زری وجود دارد ولی در آن روز در سینه از هشت نقطه بست با زری برقرار کرده بودند. در زیر بیل حسن آبا دوجا شبه جاده، دهها دستگاه اتوموبیل گشت در حالی که روی طاقشان تیرباران شده بود جاده را زیر نظر داشتند.

هر روز که از ما جرای دستگیری داد مساد و رئیس دفتر منتظری می گذرد اطلاعات و با راهی شایعات تا زه در محام و محافل تهران بگوش می رسد. این ماجرا در کادر حکومتی، نهادهای انقلابی، مجلس، سپاه و سایر محافل آخوندی و وابسته به حکومت انعکاس گسترده تری می یابد و رژیم دروا حدهای زری سپاه و بسیج است و به اعتقاد ما بخشی از عقب نشینی فوق العاده سریع با ندرت سنجایی و خا منهای نگارنی آزارات جنگ قدرت در درو حیه با ساداران و سرپازان است. تعدد نظریات و تفسیرها را در تحلیل ها درباره حکومتی ما جرم مردم را در مقابله با حاکمان محبوت کرده است. ما در اینجا با خا رو گفته ها می که بخصوص در محافل بالای حکومتی و نهادهای در این زمینه شایع است فهرست و آرا ما را می کنیم. گفته می شود با ندرت منتظری - هاشمی ها، نقد نگ کودتا دا خشنود علت تصمیم گیری آن ها برای انجام کودتا و ترور دستگیر جمعی از ازانجا ناشی می شود که حال خمینی این نظریه ها را رو به خا من می گذارد. منتظری و پاراننش خوب می دانند که در صورت فوت خمینی، رفسنجا نسبی و همرا هانش مطلقا به آنها مجال خود نمائی نخواهند داد. بر این اساس تصمیم می گیرند در لحظه مناسب طبق لستی که تهیه دیده اند به وسیله افراد مسلح گروه های تروریستی نهضت هاشمی آزا دیم بخش ۴۰۰ نفر آزا فراد موه ترا ترور کرده و حکومت را قبضه نمایند. طاهرا ما جرای از طریق خود منتظری به نوعی در برده های آیت الله مشکینی بدزن و زیر اطلاعات در میان گذاشته می شود و تخفیف لومی رود و حکومت نیز پیشدستی کرده طراحان کودتای آخوندی را به دام می اندازد.

در بعضی محافل شنیده شده که این نبرد بین گروه منتظری و گروه تندروها که خمینی بیشتر در جبهه آنهاست از مدت ها پیش جریان داشته است. جای یادآوری است که منتظری در تاریخ دوشنبه چهارم شهریور بطور غیرمنتظره گروهی از مسئولان جمهوری اسلامی و روزنامه نویسان را با حضور طلیمید و علی رغم مخالفت جدی حزب جمهوری اسلامی - به وند آزا دما زری فضای سیاسی آتاره کرد

راديو ايران ساعت های سخن برنامه

برنامه اول
ساعت ۷/۳۰ تا ۸/۳۰ ساعت ۱۷ تا ۱۸ به وقت تهران: روی امواج کوتاه (۱۷۵۰ کیلوهرتز) و ۲۵ متر (فرکانس ۱۷۵۰ کیلوهرتز) ساعت ۲۱ تا ۲۲/۵۵ ساعت ۲۱ تا ۲۲/۵۵ متر (فرکانس ۱۷۵۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۱۷۵۰ کیلوهرتز).

برنامه دوم
ساعت ۶/۵۵ روی امواج کوتاه (۱۷۵۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۱۷۵۰ کیلوهرتز) ساعت ۲۱ تا ۲۲/۵۵ ساعت ۲۱ تا ۲۲/۵۵ متر (فرکانس ۱۷۵۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۱۷۵۰ کیلوهرتز).

می اندازد. همچنین گفته می شود که بعد از اجرای تسلیم استعفا نامه، آقای ری شهری به قم می رود و مدت دو ساعت از منتظری تحقیق می کنند. دوسه بار نیز رفسنجا نشی مخفیانه به قسم رفته و با همین هدف با منتظری به مساجد و جمل می بردازد. بعضی از آقایان معتقدند که در اجرای منتظری، گروه اخفها نشی ها که از ابتدای انقلاب در بیشتر نهادهای قدرت را قبضه کرده و از نوعیت منتظری سود می بردند نیز مستقیماً هدف قرار گرفته اند و در این رابطه عده زیادی از این گروه در اصفهان و قم و نجف آبا دبا زدا منت شده اند. گفته می شود که طاهری امام جمعه اصفهان نیز در آقا زنها جم علیه دارو دسته منتظری به تهران می آید و در جریان به امام خود ملحق می شود و موقعیت وی نیز بسیار آسیب پذیر است. در بررسی های تازه بطور دقیق به این نتیجه رسیدیم که همان آندا زه که مردم عادی نسبت به واقعه منتظری - هاشمی بی اعتنا مانده و فقط در فکر تهیه نان و گوشت و گرفتاریهای روزمره هستند این ماجرا در بی اعتبار کردن رهبری رژیم در اذهان حزب الهی ها اعم از نما پندگنان مجلس، سپاه، بسیج، نهادهای انقلابی تا سربازان و سپاهیان در جبهه های جنگ فوق العاده مؤثر بوده است بطوریکه آقای رفسنجا نشی و پاراننش که متوجه شده اند که لبه تیز شمشیر حمله آنان علیه منتظری به سوی خودشان بازگشته و هر لحظه ممکن است اوضاع حبه را از هم بپاشد به همین جهت بخش عمده عنوان های نماز جمعه که به وسیله خا منهای آبرا د شده در تعریف و تمجید از شخصیت منتظری است و این رویه خلاف معمول و حکایت از ترس و نگارنی فوق العاده آنان دارد. ساسا سورا خبا ر مربوط به این حادثه یکی از شدیدترین انواع ساسا سورا در جمهوری اسلامی است و همین نشان می دهد که رژیم چگونه از واقعه ای که خواه نا خواه در آن درگیر شده است و ا همه دارد. روشنفکران و در مجموع ایرانیان مظلوم این حادثه را به فال نیک گرفته و اکثریت کاملشان بر این اعتقادند که اختلاف و چند دستگی به سر و موزر رژیم رسیده و امیدها بیی را بیشتر کرده است.

تهران - ۱۳۶۵ آبان ۱۳۶۵

رود زروشی آنها با میانامور تریستی به شکل چشمگیری افزوده شده است. یکی از مهم ترین دلایل افزایش مقاومت ها، غیر از چوکلکی حاکم بر مملکت، کمبود کتاب و کرا نشی طاقت فرسای لوازم التحریر است که یک دفترچه صبرگی از ۵ تومان به ۲۵ تومان و یک خودکار معمولی از ۵ تومان به ۲۵ تومان رسیده است. دانش آموزانی که از طریق فیلم های ویدئویی آشکارا بی شرف ها و جهش های تکنولوژیک غرب را در فضای کیهانی و زندگی زمینی می بینند در مقابل با و بسگری بی رژیم و مطالب خرافاتی کتاب های درسی به خشم و خروش می آیند و به نوشتن شعار روجتی نظا هرات در محیط دبیرستان می پردازند. در حدود یک هفته پس از افتتاح مدارس، دانش آموزان دختر یکی از دبیرستانهای تهران در حوالی خیابان کوروش کبیر، قیلک قدس (قلک قدس عبا رت است از شکل طاهری مسجد اقصی که در وسط مدرسه روی پایه ای نصب می کنند تا دانش آموزان برای جنگ با اسرا نیل در آن بول بریزند) را شکستند و از شکست پهل موجود در قلک که به وسیله نجوم اسلامی تهیه شده بود در توالست مدرسه ریختند و زیر قلک قدس نوشتند: قجاج زمین را بگیرد سب سوار ی پیشکشنا ن! در یک دبیرستان دخترانه دیگر در حوالی میرداماد هنگامی که مدیر خود فروخته حزب الهی در پیش میکرو فون خطاب به دانش آموزان گفت بهر جای خطاب به هیچ جا آزادی جمهوری اسلامی وجود نداشت دانش آموزان با کشیدن هیس و هو کردن مدیر یکی از قلک تریسرها شکل اعتراضات را آفریدند و مدیر حزب الهی با شرمندگی میکرو فون را ترک گفت.



ایران گیت؟

بقیه از صفحه ۱

معاذ الله! اسلحه با جمهوری اسلامی، چنان که گشودن باب مذاکره با آن، که ما هیا و اینکه ما لها ست جریا ن دارم، دولت ریگان را با بحران بزرگ روبرو ساخته است. دریا دا ربولین دکتور، سر مشا ور شورای امنیت ملی استعفا داده است. سرهنگ نورث دستیا را ورا که "منزمتفکر" معامله های پنهانی با انقلاب و ضد انقلاب شمرده می شود، برکنار کردند. هنوز نمی توان نامی پیا پیاده های دیپلماتی محرمانه کاخ سفید را پیا جمهوری اسلامی بدرستی پیش بینی کرد، ولی از هم اکنون اصطلاح "ایران گیت" می خواهد چنین القا کند که چیزی شبیه بلای "واترگیت" که بر شیکسون وارد آمد، در انتظار ریگان است. یا که ریگان در انتظار آن، باری، موجی که برخاسته است، به این سادگیها فرو نشاندنی نیست.

می گویند برزیدنت ریگان در ارتباط با رویدادهای اخیر به ما نگرده ور نرسد و زبردفاع آلمان فدرال گفته است: خیال می کنید من عکس خمینی را روی میز کارم گذاشته ام؟ ولی رئیس جمهوری آمریکا در آخرین کنفرانس مطبوعاتی خود حتی حال شوخی کردن هم نداشت. کنفرانس را نیمه کاره رها کرده و تنها لسه آن راه وزیر دادگستری خود سپرد. از سوی دیگر در جمهوری اسلامی نیز وضع چنان نیست که کسی بتواند به آن رشک ببرد. اگر چه در آنجا زبان مطبوعات و مجلس را بسته اند، ولی هندا ره های پیا پی آیت الله خمینی و دستیا را نش نشان می دهد که کارها به آن سادگی و آسانی نخواهد گذشت که به هنگام بستن قرا ردا دلجزا پردیدیم، این بار زمین زیر پای رژیم می لرزد.

خمینی، رفعتجانی، خامنه ای و دیگران مدام می گویند: آری، فرستاده کاخ سفید البته به تهران آمد، ولی کسی با او مذاکره ای نکرد. این دیوار حائا اما بلندتر از خرد متعارف مردم نیست. آنان از خود می پرسند: اگر مذاکره ای در کنار نبود، چرا یک فارلین رنج این سفرا بر خود هموار کرد؟ نتیجه می گیرند که مذاکره صورت گرفته، در سطح بالا نیز صورت گرفته است. زیرا طرف مذاکره، یک فارلین کسانتی نبوده اند که غیب ب آنها از کشور بی چشم کسی نیاید، بلکه کسانتی بوده اند که غیا بنا بر بیدرنسک معلوم می شد: رئیس مجلس اسلامی، رئیس جمهوری یا هر دو.

خبرها می که از ایران می رسد حکایت از آن دارد که در همه جا - حتی در جبهه ها - بحث های سیاسی داغی پیرامون حوادث اخیر در گرفته است. می گویند بحث ها چنان است که آلمان را بی اختیار به یاد واپسین هفته های رژیم گذشته می اندازد. زما مداران رژیم تهران که این خبرها را می شنوند، نمی توانند از زیبا مدهای آن اندیشناک نباشند. "ایران گیت" فقط ریگان را تهدید نمی کند. یک سر آن نیز به جمهوری اسلامی می رسد.

پیام رادیویی دکتر شاپور بختیار خطاب به ملت ایران

بقیه از صفحه ۲

در خون خود غلتیدند، چون وظیفه مقدس ارتش دفاع از آزادی و تمامیت ارضی میهن است، قوم جنایتکار آخوندهای حاکم تحمل وطن و مدافعان آن را ندارد. با تحقیر روز افزون و تسلط مشی هرجائی بی سواد، شیرازه ارتش گسیخته شده است. با این حال در راه دفاع از ایران شما وظیفه خود را با وجود شکالات گوناگون به نحو احسن انجام دادید و ما ایرانیان، امروز می توانیم شما افسران جوان را بنیانگذاران ارتش ملی ایران بدانیم. با تمام تضییقات و نارسائی ها، من اطمینان دارم که تصویر شما از آینده ایران همان است که ما داریم و سعی شما در برشته کن کردن رژیم و بیروزی ملت ایران بر امت آخوند برای من جای تردید نیست. از این روشا انسان - هافران - در حداران - سرایان ارتش ملی ایران، من به شما درود می فرستم و می دانم که شما مثل من ایمان دارید که: ایران هرگز نخواهد مرد.

موسیقی سنتی ایران

به قرار اطلاع یک سرنامی موسیقی سنتی ایران، همراه با آواز و پدا هه سوازی در تاریخ سوم دسا دیر در شهر کین واقع در جنوب فرانسه اجرا خواهد شد. این سرنام توسط گروه دروین خان، به همت علی شایگان به اجرا در خواهد آمد. دکتر علی شایگان هنرجوی هنرمندان موسیقی ملی ایران بود، و سنتور را نزد نورعلیخان برویند آموخت و در خدمت این استاد شناخت ردیف موسیقی ملی را به کمال رساند. ردیف آوازی را نزد میرزا عبدالله دوا می آموخت و در تنبک استاد حسین شهرانی بود. وی در سال ۱۹۷۵ برای دوره ای دکترای تازم رییس شد و هم اکنون در دانشگاه سوربن پاریس، به عنوان استاد موسیقی شرقی به کار اشتغال دارد. شایگان با ایجاد گروه دروین خان، کوشیده است غنا و زیبائی و رسالت موسیقی سنتی ایران را که به وسیله استادان موسیقی، قرن ها از نسلی به نسل دیگر سپرده شده است، همچنان برای ادا راه راه، محفوظ نگاه دارد.

درخواست اشتراک

بهای اشتراک: یک ساله ۱۰۰ فرانک فرانسه -

شش ماه ۵۰ فرانک فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

اینجا نام (نام و نام خانوادگی به فارسی و به حروف لاتین) نام خانوادگی:

Nom

نام: Prenom

آدرس: Adresse:

ما به نام نشریه قیام ایران را به مدت یک سال به شما می فرستیم. اگر شما بخواهید به ما بپستی نشریه قیام را بفرستید به ما بپستی نشریه قیام را بفرستید.

تاریخ: تاریخ

شماره حساب پستی: شماره حساب پستی

QYAM, IRAN C.C.P No: 2400118/E PARIS

شماره حساب بانکی: شماره حساب بانکی

QYAM IRAN Crédit du Nord 78, Rue de la Tour 75116 Paris Compté No: 11624700200

توجه لازم

توجه داشته باشید که اشتراک را به آدرس قیام ایران ارسال فرمائید. نامه ها می که به آدرس حساب پستی یا بانکی فرستاده شود، بدست ما نمی رسد.

قاچاق اسلحه

بقیه از صفحه ۵

گرای اسلامی را در کشورهای چون مصر، اردن و کشورهای شمال آفریقا شگفت بخشد.

نشانی پستی شاخه های نهضت مقاومت ملی ایران در کشورهای مختلف دنیا

N.A.M.I.R. Postfach 121007 8000 MUNCHEN 12 W. Germany

N.A.M.I.R. Postfach 523 1171 WIEN AUSTRIA

DR. H. SIASI # 6 CINZANO, COURT GAITHERSBURG, Md. 20878 (U.S.A.)

N.A.M.I.R. PO BOX 313 LONDON W 2-10X ENGLAND

PO BOX 130 14600 TULLINGE SWEDEN

TUS - MOBI 117/118 MAKER CHAMBER (V) NARIMAN POINT BOMBAY 400021 INDIA

MEHZZAT P.B. 246 3230 AE BRIELLE HOLLAND

A CII APARTADO CORREOS 50132 MADRID SPAEN

NAMIR, PU-1602 STN. B. WILLODALE ONT M2K, 2T6 CANADA

A.R. CASELLA POSTALE 601 00187 ROMA ITALIA

P.o. Box 3049 8049 Zurich

"ریجا ردهلمز" غیر بیستین آمریکا در ایران، تنها می اشتقا دها را به این شکل خلاصه می کند: "چنانچه کسی شروع به باج دادن برای آزادی گروگان ها کند، خود را و ردهما ملدای بی پایان کسرده است."

لوما تن - ۲۵ نوامبر ۸۶

۵ - اتهام منتسبه با ماده ۱۰۰ قانونی مورد استناد ما هیت دعوا است و در مورد منطبق نیست

۶ - عدم صلاحیت ترتیب کیفر خواست محدود به آزمون به علت اسکه مرئوس عنوان شده است

در مورد ترتیب ریاحی دادگاه چنین استدلال کرد که چون اتهام منتسبه در صلاحیت دادگاه های نظامی بوده و چون نسبت به صلاحیت و نقی پرونده ایراد موثری به عمل نیامده و ایراداتی که وکلای مدافع اوعنوان کرده اند تکرار ایرادات دکتر محمدق بوده که بشرح بالا رده شده است صلاحیت دادگاه نسبت به این اتهام نیز محرز است.

با لنتیجه دادگاه آما دگی خود را برای رسیدگی به ما هیت اتهام منتسبه به هر دو متهم اعلام نمود.

Kermit Roosevelt : Countercoup, P.200



اعتراضی

۱ - استکرا حق شاه در عزل و نصب وزیران

۲ - دعوی بقای سمت نخست وزیر

۳ - سیاسی بودن اتهام و لزوم حضور هیئت منصفه

۴ - منافات تشکیل دادگاه به مقدمات لایحه قانونی اختیارات دکتر محمدق

۵ - اتهام منتسبه با ماده ۱۰۰ قانونی مورد استناد ما هیت دعوا است و در مورد منطبق نیست

۶ - عدم صلاحیت ترتیب کیفر خواست محدود به آزمون به علت اسکه مرئوس عنوان شده است

در مورد ترتیب ریاحی دادگاه چنین استدلال کرد که چون اتهام منتسبه در صلاحیت دادگاه های نظامی بوده و چون نسبت به صلاحیت و نقی پرونده ایراد موثری به عمل نیامده و ایراداتی که وکلای مدافع اوعنوان کرده اند تکرار ایرادات دکتر محمدق بوده که بشرح بالا رده شده است صلاحیت دادگاه نسبت به این اتهام نیز محرز است.

با لنتیجه دادگاه آما دگی خود را برای رسیدگی به ما هیت اتهام منتسبه به هر دو متهم اعلام نمود.

بقیه از صفحه ۱

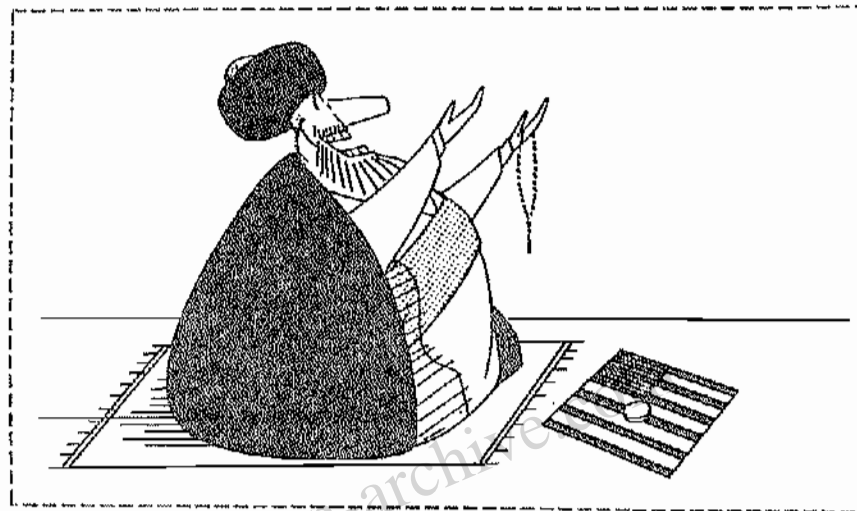
ایالات متحده آمریکا کشوری است بوسعت یک قاره و مردم آمریکا چنان سرشارند که اکثرشان از وقتا یعنی که در سایر نقاط جهان میگذرد خبر ندارند و تصمیم گیری درباره مسائل خارجی را جزواختیارات و وظایف رئیس جمهوری و همکاران و مشاوران او میدانند. بنا براین مردم از رئیس جمهور و نپرسیده بودند ایران چگونه کشوری است و چه اندازه اهمیت دارد و ایالات متحده بجهت ترسباید منافع خود را در آنجا حفظ کند، تا چنین جوابی بشنوند. آنچه مردم آمریکا میگویند اینست که رئیس جمهوری حق ندارد دروغ بگوید و دودوزه بازی کند. رئیس جمهوری حقی ندارد در همان حال که مشتق را گره می کند و زمانه را در جمهوری اسلامی را بعنوان عناصروا خورده و جنا پتکار مورد حمله قرار می دهد و مدعی می شود که ایالات متحده هرگز با چنین کسانی رابطه برقرار نخواهد کرد، شما پندگانش را محرومانه به تهران بفرستد.

مشکل ریگان، جنبه اخیر قضیه است، این را با بدبیزیدنت ریگان به مردم آمریکا توضیح بدهد که البته توضیح دادنی آن نیست و به همین دلیل در دامی مشابه دام "واترگیت" افتاده است. آمار می گوید که بعد از نطق تلویزیونی رونالد ریگان گرفته اند نشان می دهد که هفتاد درصد مردم آمریکا سناست او را در زمینه برقراری تماس با جمهوری اسلامی تا بیست و نه درصد معتقدند. رئیس جمهوری با تحویل اسلحه به جمهوری اسلامی اشتباه بزرگی مرتکب شده است. برای رونالد ریگان که تا چند هفته پیش از مقبولیت بی ما شندی در بین مردم سرخوردار بود، این اعلام خطری است که "ملا" جدی و اگر خود او را مثل ریچارد نیکسون از جای نکلند اما لسه کار جمهوریخواهان را در انتخابات آتی بدهد ریاست جمهوری دشوار خواهد ساخت. حال بیائیم به این طرف و ببینیم در قلمرو جمهوری اسلامی، از مردمی که باز برایشیک تما دف رویا روی چنین

اکثر فصول نبود...

شعبده بی قرار گرفته اند چه کاری ساخته است و حکومت شاید به آن ها چه پاسخی می دهد. اهل کاشان ضرب المثلی دارند که می گوید اکثر فصول نبود شاه زکحسا می دانست حسب و دره کجا ست؟! خمب و دره آسا می دوقریه کوچک بیلاقی است در طرف کاشان که میان کوه های بلند قرار گرفته اند و هنوز هم رفت و آمد از راه مالرومی نا هموار به اسن دوقریه

"دره" لورفتن ارتباط پنهان کاخ سفید و تهران را هم ما ایرانیان به فضولیا شی های داخل رژیم اسلامی مدیونیم و دوستگانی آنها بر سر تقسیم قدرت، والا اگر این اختلافات شدت نمی گرفت و فضولیا شی ها بخاطر سباه کردن یکدیگر، سنا را آشکار نمی کردند زکجا ممکن بود کسی حدس بزند متاوران ویژه رئیس جمهوری آمریکا محرومانه به تهران می روند و برای جمهوری



اسلامی خروا زخروا را سلحه سوغاسات می برند؟! زدوبندهای پنهانی بین واشنگتن و تهران قرار نبود از برده بیرون بیفتد ولی وقتی افتاد دیگر دولت آمریکا نتوانست حاشا کند. رئیس جمهوری شخما" به چنین ارتباطاتی اعتراف کرد و تمام مسئولیت آن را بعهده گرفت و احتمالا" تا و نش را هم پس خواهد داد در حالیکه این طرف، زعمای حکومت آخوندی اول سکوت کردند، بعد حاشا کردند. بالاخره چون دیدند امری را که همه عالم از جزئیات آن با خبر شده اند نمی شود بیکلی انکار کرد یک داستان جیمز بانندی

بسیار مشکل است. به همین جهت تا دوره فتحعلی شاه در لوما رد دولت با شنا سنا مه جغرافیای کشور که بر اساس آن مالیات از مردم می گرفتند نام خمب و دره منظور نشده بود. زمانی که فتحعلی شاه برای هوا خوری در قریه با صفای "فین" کاشان بصرمی برد، بین اهالی خمب و دره دو دستگی پیش آمده بود. یکی از اهالی دره بقصد انتقامجویی، خود را به اردوگاه رسانید و سنا را آگاه کرد که پشت کوه، قریه سزوخرمی وجود دارد بنام "خمسب" و با آنکه محصول خوبی دارند اما سش در لوما دنیا مده است. شاه دستور رسیدگی داد و در نتیجه هم "خمسب" لورفت، هم

بهم یافتند و مدعی شدند که چندا میکیایی بطور قاچاق، با گذرنا مه جلی به تهران رفته بودند و دولت اسلامی به محض آنکه از هویتشان آگاه شد آنها را بیرون کسرد. ضمنا" برای تکمیل دغلیکاری و عوامفریبی، به بهانه سالگرد استقلال سفارت آمریکا، با زگروهی را در خیابان جمع کردند و فریاد "مرگ برا آمریکا" سر دادند و برچما آمریکا را آتش زدند!

اما نکته عجیب تر این داستان واقعی افشای نقشی است که دولت اسرائیل در ایجاد رابطه بین واشنگتن و تهران برعهده داشته است. حالا که پنده از روی اسرار پنهان کننا رفته معلوم میشود واسطه انعقد این معامله اسرائیل بوده است یعنی آقای شیمون پسرز دست آیت الله خمینی را در دست رونالد ریگان گذاشته و محض ثواب بیشتر بعهده گرفته است که سلاحهای مورد نیاز جمهوری اسلامی را از ریگان بگیرد و به آیت الله تحویل بدهد! چند سال قبل از آنکه انقلاب اسلامی محصول خود را به آرد و کتایی به زبان انگلیسی منتشر شد بنام سقوط ۷۹. کتاب که نویسنده اش یک یهودی بود و با سرویس های اطلاعاتی اسرائیل رابطه نزدیک داشت حوادشی را در قالب یک داستان سیاسی پیش بینی می کرد از جمله جنگ ایران و عراق و سقوط رژیم شاه. در جریان یک مصاحبه مطبوعاتی، یکی از خبرنگاران خارجی از شاه پرسید که آیا این کتاب را خوانده است و در باره آن چه عقیده دارد؟ شاه در جواب شاهانه پیش را بالا انداخت، اندکی مکث کرد و جواب داد نمی دانم اسرائیلی ها بچه دلایل برای ما زمین قبیل سنا ریو هاما بنویسند! در طول این چند سال، زیر سایه حضرت امام و اسلام فقهاتی، اسرائیلی ها از مرحله سنا ریو نویسی برای منطقه و بخصوص برای ایران خیلی فسرانتر رفته اند. حالا هم سنا ریومی نویسنده و هم کارگردانی می کنند و ما فعلا" تما شاگر نمایشی هستیم به کارگردانی شیمون پسرز و با شرکت دو هنر پیشه شهر قرن بیستم رونالد ریگان و آیت الله خمینی!

مخاطبان آن ها در سلسله مراتب جمهوری اسلامی در سطحی پایین قرار دارند. واشنگتن پست می افزاید: مک فارلین در پایان ماه موریت ۴ روزه خود در تهران گزارشی بسیار بدبینانه به پرزیدنت ریگان تسلیم کرد که طی آن گفته است ایران دچار حالت شدید هرچ و مرچ و انحطاط است و بخت اندکی وجود دارد که مسئولان جمهوری اسلامی که با آنها مذاکره کرده است، بتوانند قبول خود را مبنی بر کسب آزادی گروگان های آمریکا می به مرحله عمل در آورند. واشنگتن پست - ۲۵ نوامبر

"الیور نورث" عضو شورای امنیت ملی آمریکا روز ۶ خرداد گذشته با یک هواپیمای بوئینگ ۷۰۷ واشنگتن را ترک کردند و به اسرائیل رفتند. در آنجا، به نوشته واشنگتن پست، سوار هوا پیمای دیگری شدند که حامل سلاح های دفاعی و قطعات بیکی برای جمهوری اسلامی بود. مک فارلین و "سرهنگ آلیور نورث" به محض رسیدن به تهران، به یکی از محلل ترین سوئیت های یکی ز هتل های بزرگ تهران منتقل شدند. اما اندکی بعد، ضمن مکالمه تلفنی با مسئولان شورای امنیت ملی آمریکا، پی بردند که هنوز گروگان های آمریکا کسب آزادی نشده اند و چنین نتیجه گرفتند که

کار درستی نبود. واشنگتن پست به نقل از نزدیکان مک فارلین می نویسد: وی امروز معتقد است که با رفتن به تهران در یک هوا پیمای حامل اسلحه به منظور اثبات حسن نیت آمریکا در قضاوت خود مرتکب اشتباه بزرگی شده است. واشنگتن پست می افزاید: درباردار جان بوئینگ دکستر جانشین مک فارلین در شورای امنیت ملی آمریکا بسه وی اطمینان داده بود که همان روز ورود مک فارلین به تهران یعنی ۷ خرداد سنا گذشته گروگان های آمریکا کسب آزادی خواهند شد. بر اساس این گزارش مک فارلین و سرهنگ

استیاه مک فارلین

رابرت مک فارلین مشاور پیشین امنیتی رئیس جمهور آمریکا تا شید کرد که در خرداد ماه سال با یک هوا پیمای حامل اسلحه برای جمهوری اسلامی از اسرائیل وارد تهران شده است. مک فارلین همچنین اظهار داشت که تحویل اسلحه به جمهوری اسلامی بیک اشتباه بوده است. رابرت مک فارلین در مصاحبه ای که در روزنامه واشنگتن پست به چاپ رسیده است گفت: دولت آمریکا با فرستادن اسلحه به جمهوری اسلامی در چارچوب تلاش های پیش برای آزادی گروگان های آمریکایی مرتکب اشتباه شد. وی افزود: سیاست آمریکا مبنی بر برقراری تماس با عناصرا مسلح طلب در جمهوری اسلامی، سیاستی منطقی بوده است اما تحویل اسلحه در این میان

نشانی: QYAM IRAN C/O C.B. 17, bd RASPAIL 75007 PARIS FRANCE

ایران هرگز نخواهد مرد